

# آوارگی در آوارگی

## مدخل

از مجموع بیش از ۵ میلیون آواره فلسطینی، کشورهای سوریه، لبنان و اردن تعداد زیادی از آوارگان را در خود اسکان داده‌اند. مدت این آوارگی نزدیک به ۶۵ سال است و آنها ظرف این مدت طولانی از حقوق اولیه از جمله حق تعیین سرنوشت، حق آموزش، حق بهداشت و سایر حقوق مبنایی در عصر جدید محروم بوده‌اند.

آوارگان فلسطینی اگر چه هیچ وقت از بازگشت به سرزمین خود ناامید نشده‌اند ولی کشورهای عربی نیز در هیچ دوره‌ای نیازهای انسانی و اولیه آنها را به شایستگی تقبل نکرده‌اند.

مسائل معیشتی، بهداشتی، آموزشی در یک کشور بیگانه، در کنار ظلم‌های رفته از سوی صهیونیست‌ها به این ملت؛ و از سوی دیگر دغدغه مبارزه علیه صهیونیست‌ها مشغله ذهنی ۶۵ ساله این عده است که لحظه‌ای آنها را رها نمی‌کند.

سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های دخیل در قضیه فلسطین و معضل صهیونیسم نیز رسالت جهانی خود در محافظت از این ملت را به بدترین شکل انجام داده و به هیچ عنوان امید اقدام اساسی و حمایت واقعی از آنها وجود ندارد. معامله بر سر عدم بازگشت





فلسطینی‌ها به سرزمین خود نمونه‌ای از این حق‌پوشی در جریان سازش است. در این آشفته‌بازار کم‌لطفی، بی‌مهری و ظلم‌های روزافزون و خیره‌کننده در منظر عام افکار و وجدان جهانی، توطئه صهیونیسم جهانی علیه مقاومت در سوریه، معضلی دوچندان بر مصائب قبلی این ملت گردید که نه فقط آوارگان فلسطینی در سوریه بلکه آوارگان فلسطینی لبنان و اردن را نیز متأثر از خود کرد. هم‌اکنون تمام آوارگان در سه کشور مذکور در بدترین شرایط اسکان، معیشت، بهداشت و آموزش به سر می‌برند. ضمن آنکه آوارگان فلسطینی در سوریه درگیر آوارگی مضاعف شده‌اند.

تبعات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روحی این اوضاع اگرچه طاقت‌فرسا، مشکل و مایه عبرت است ولی شاید از یک منظر تهدیدی برای صهیونیست‌ها و فرصتی برای فلسطینی‌ها به منظور بازگشت و پایان دادن به این محنت ۶۵ ساله باشد. دردی که اگر از عمق جان به این ملت وارد شده و برای بار دوم آوارگی آنها را در پی داشته، لازم است اراده‌ای استوار و محکم مستقر گردد و برای همیشه به آن پایان دهد. انتفاضه آوارگان با حرکت آنها به سمت مرزهای فلسطین اشغالی دیدگاهی است که در پس تشریح اوضاع فعلی آنها با این سه مقاله مقابل، مدنظر است. اگرچه ساقط‌کننده وظیفه اعراب، مسلمانان و جهانیان در قبال این ظلم مضاعف نیست. هم‌اکنون نزدیک به نیمی از جمعیت فلسطینی‌ها، در آوارگی به سر می‌برند. تعدادی که نزدیک به جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین است و به نظر می‌رسد که برای یک نهضت همگانی علیه اشغالگری کافی باشد.

## فلسطینی‌های سوریه دوباره آواره می‌شوند

«آوارگان فلسطینی در سوریه؛ نکبت دوم»

هشام منور

ترجمه خدیجه رسولی

### پیشگفتار

رنج آوارگان فلسطینی در سوریه از رنج برادران سوری خود جدا نیست. اردوگاه‌های فلسطینی به پناهگاه‌های امن برای افرادی تبدیل شدند که از زیر آسیاب خشونت گریخته بودند؛ پس از آن آواره فلسطینی یک بار دیگر خود را همراه با میزبان سوری ناگزیر به هجرت دید که این هجرت یا در داخل بود و یا به چند کشور همسایه صورت

پذیرفت. با توجه به کمرنگ شدن اختیارات و غلبه شرایط سیاسی و امدادی خاص در کشورهای میزبان، این رنج چندین برابر شد.

کمیساریای عالی امور پناهندگان (UNHCR)، مسئولیت نظارت بر امدادرسانی مردم آواره سوری را در کشورهای همسایه بر عهده دارد. در همین حال، آژانس سازمان ملل برای امدادرسانی و اشتغال فلسطینی‌ها در خاور نزدیک (آنروا)، این وظیفه را در کشورهایی که عرصه فعالیت این آژانس است، یعنی سوریه، اردن و لبنان، بر عهده دارد. این وظیفه با توجه به قوانین وضع شده، از سوی سازمان ملل تعیین شده است؛ این آژانس بودجه زیادی در اختیار ندارد و در واقع با مشکل ضعف درآمدها و اتمام بودجه مواجه است.



آنروا در برخی از سازمان‌های ذیصلاح، برگه‌ای غیررسمی، حاوی نیازهای ضروری را توزیع کرده که برای عرضه به آوارگان فلسطینی مهاجر پیش بینی شده است و ارائه بیشتر خدمات را منوط به میزان پاسخگویی به درخواست‌های امدادی، می‌داند.

نکته مورد توجه و پرسش برانگیز این است که کشورهای اعطاکننده کمک‌های مالی، به درخواست‌های کمیساریای عالی در امور پناهندگان در خصوص امدادرسانی به مهاجران سوری، پاسخ مثبت داده، اما در عین حال، به درخواست‌های آنروا توجهی نداشته‌اند. همچنین پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است: چرا بخشی از بودجه امدادی آنروا در سوریه یا بودجه اضطراری این آژانس تحویل داده نمی‌شود تا در لبنان و اردن مورد استفاده قرار گیرد؟ چرا از صندوق مرکزی بودجه اضطراری آژانس کمک نمی‌گیرند؟ گذشته از این، آنروا از صدور هر گونه بیانیه یا توضیحی در خصوص ماهیت





خدمات ارائه شده به آوارگان مهاجر امتناع می‌ورزد و برای فراهم نبودن خدمات امدادی هیچ توضیحی نداده است.

این پژوهش می‌کوشد تا درنگی بر رنج آوارگان فلسطینی در سوریه داشته باشد؛ از آغاز بحران سوریه تا پیش از زمانی که آوارگان همراه با میزبانان سوریه خود، مجبور به ترک سوریه و مهاجرت به کشورهای همسایه شدند. همچنین عملکرد نهادهایی که کاستن از آثار این رنج‌ها، به آنها مربوط می‌شود و نحوه تعامل کشورهای میزبان با آوارگان جدید، از موارد بررسی شده در این پژوهش است. نقش مربوط به آژانس آنروا در این تراژدی جدید فلسطینی‌ها، به طور مستقل ارزیابی شده است که البته این موضوع، از نهادهای دیگر، سلب مسئولیت نمی‌کند. نهادهایی که باید به وظیفه انسانی و ملی خود در قبال فلسطینی‌های آواره، عمل کنند.

### پراکندگی جغرافیایی فلسطینی‌ها در سوریه

سوریه در میان کشورهای عربی، از نظر تعداد آوارگان فلسطینی در خاک خود، دومین کشور محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۱، تعداد آنها طبق آنچه در آژانس آنروا ثبت شده،<sup>۱</sup> حدود ۵۱۰۰۰۰ آواره بوده است. طبق آخرین آمار آژانس آنروا در اول ژانویه ۲۰۱۲، آژانس خدمات خود را به بیش از ۵۱۰۴۴۴ آواره فلسطینی ارائه نموده است که از زمان اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸<sup>۲</sup> تا آن تاریخ در سوریه زندگی می‌کرده‌اند.

اما این تعداد، همه آوارگان را شامل نمی‌شود. گروه‌های دیگری نیز هستند که به دلایل متعدد مشخصات آنها در آژانس ثبت نشده است. برآوردهای سازمان‌های جامعه مدنی و کارگزاران کمیته‌های بازگشت، حاکی از آن است که تعداد حقیقی آوارگان فلسطینی در سوریه، چیزی نزدیک به ۶۰۰۰۰۰ آواره بوده است. این بدان معنی است که آوارگان فلسطینی، تقریباً ۲/۸ درصد از کل جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند.

جمع کثیری از این آوارگان در نتیجه جنگ سال ۱۹۴۸ به سوریه آمدند؛ به طوری که ۸۵۰۰۰ فلسطینی به سوریه کوچانده شدند که این تعداد ۱۰ درصد از کل آوارگان سال ۱۹۴۸ را تشکیل می‌دهد. فرآیند کوچاندن آوارگان فلسطینی به سوریه، به طور محدود، تا پایان نیمه نخست دهه پنجاه قرن پیش ادامه یافت. این امر در نتیجه تداوم

۱. نقشه عرصه‌های فعالیتی آنروا، منتشر شده از سوی آژانس آنروا در سال ۲۰۱۱، به نقل از پژوهشی با عنوان «آوارگان فلسطینی در سوریه و انقلاب سوریه» که در آکادمی مطالعات آوارگان ارائه شده بود. لندن، ۲۰۱۲-۲۰۱۱، ص ۴.

۲. طبق آمارهای سازمان یافته که مبتنی بر حق بازگشت می‌باشند.

اسرائیل بر پیروی از سیاست کوچاندن فلسطینی‌ها بود.<sup>۱</sup> سال‌های بعد، شاهد فرآیند مهاجرت جدید به سوریه بود که در نتیجه شرایط سیاسی و اقتصادی، از فلسطین یا دیگر کشورهای عربی صورت می‌پذیرفت. آنچنان که در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ حاصل شد. این روند همچنین در سال ۲۰۰۶ ادامه یافت؛ به طوری که آوارگان فلسطینی از اردن، لبنان و عراق، به سوریه آمدند.

### جدول شماره ۱

#### پراکندگی آوارگان فلسطینی در مناطق مختلف سوریه<sup>۲</sup>

استان	تعداد آوارگان	درصد از کل آوارگان
دمشق	۲۵۵۶۰۰	۴۲/۶
ریف دمشق	۲۲۳۸۰۰	۳۷/۳
حلب	۳۷۸۰۰	۶/۳
درعا	۳۳۰۰۰	۵/۵
حمص	۲۴۰۰۰	۴
لاذقیه	۱۲۰۰۰	۲
حمه	۱۰۲۰۰	۱/۷
قنیطره	۱۲۰۰	۰/۲
ادلب	۶۰۰	۰/۱
طرطوس	۶۰۰	۰/۱
حسکه	۶۰۰	۰/۱
رقه	۶۰۰	۰/۱
دیر الزور <sup>۳</sup>	/	/
سویدا <sup>۴</sup>	/	/

\* در مناطق دیر الزور و سویدا، فلسطینی‌هایی ساکن می‌باشند، اما درصد قابل توجهی را به خود اختصاص نداده‌اند.

مطالعه‌ای در داده‌های جدول، نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت آوارگان، طبق سیستم اداری دولت سوریه، در دمشق، پایتخت سوریه و مناطق پیرامون آن یا آنچه به «ریف

۱. پژوهش «آوارگان و مهاجران فلسطینی در سوریه»، نبیل سهلی، مرکز تبلیغات فلسطین:

<http://www.palestine-info.info/Arabic/qadhya/lajeoon.htm>

۲. پژوهشی با عنوان «جمعیت مقیم غیر سوری و ویژگی‌های آن»، سمیر حسن و سمیه سعدالدین، منتشر شده در پایگاه دفتر مرکزی آمار در سوریه، ص ۲۳.





دمشق» شهرت دارد، متمرکز شده‌اند. به طوری که ۴۷۹۴۰۰ آواره، یعنی چیزی حدود ۸۰ درصد از کل آوارگان، در این مناطق اقامت دارند. این در حالی است که سایر آوارگان در مناطق مختلف سوریه پراکنده شده‌اند. از درعا در مرزهای اردن گرفته تا حلب در مرزهای ترکیه. تعداد اندکی از آنان نیز در منطقه شرقی اقامت دارند که از تراکم جمعیتی اندکی برخوردار است.

آوارگان فلسطینی سوریه در ۱۳ اردوگاه و ۱۴ مجتمع متمرکز شده‌اند، به طوری که یک اردوگاه، در همه امور اداری و احوال مدنی، کاملاً تحت اختیار هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب می‌باشد. طبق گزارش آنروا، اردوگاه‌های موجود، به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخش به رسمیت شناخته شده که عبارت از ۱۰ اردوگاه است و بخش به رسمیت شناخته نشده که ۳ اردوگاه را شامل می‌شود. با علم به این که از نظر نحوه تعامل دولت سوریه یا آنروا با این اردوگاه‌ها، تفاوتی میان اردوگاه‌های به رسمیت شناخته شده و اردوگاه‌های به رسمیت شناخته نشده وجود ندارد. به استثنای این که آنروا نسبت به جمع‌آوری پسماندهای خشک در اردوگاه‌های به رسمیت شناخته نشده، مسئولیتی ندارد. این اردوگاه‌ها به ترتیب زیر پراکنده شده‌اند:

- اردوگاه‌های دمشق و حومه آن: یرموک که از سوی آنروا به رسمیت شناخته نشده است و بیشترین تجمع آوارگان در آنجاست، به طوری که تعداد آنها به بیش از ۱۴۴۰۰۰ آواره می‌رسد. از جمله سبینه، سیده زینب، خان الشیخ، خان ذی النون و جرمانا.
- اردوگاه‌های حلب: یرب؛ عین التل یا حندرات که به رسمیت شناخته نشده است.
- اردوگاه آوارگان در حمص.
- اردوگاه آوارگان در درعا؛ اردوگاه اضطراری قدیم و جدید درعا؛ با علم به این که این دو اردوگاه به هم چسبیده‌اند.
- اردوگاه آوارگان در لاذقیه یا اردوگاه رمل که به رسمیت شناخته نشده است.
- اردوگاه آوارگان در حماه.

۱. **استان دمشق:** شمار آوارگان فلسطینی در شهر دمشق، به استثنای اردوگاه‌های آن، تا ۱۳۹۲۳۹ آواره فلسطینی برآورد می‌شود.<sup>۱</sup> آنها در همه محله‌ها و روستاهای حومه شهر سکونت دارند. اما در برخی مناطق بیشتر از مناطق دیگر متمرکز شده‌اند. می‌توان این مناطق را این گونه دسته‌بندی کرد:

۱. هیئت کل آوارگان فلسطینی، ۲۰۰۲/۱۲/۳۱، اردوگاه حسینییه نیز مستثنی می‌شود، زیرا هیئت آنجا را به عنوان اردوگاه به رسمیت نمی‌شناسد.

مطالعه‌ای در داده‌های جدول، نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت آوارگان، طبق سیستم اداری دولت سوریه، در دمشق، پایتخت سوریه و مناطق پیرامون آن یا آنچه به «ریف دمشق» شهرت دارد، متمرکز شده‌اند

- رکن‌الدین: بزرگ‌ترین مجتمع‌های فلسطینی را در بر می‌گیرد. تعداد آنها در این منطقه به ۲۵۰۰۰ آواره می‌رسد. آنرا در دو بعد بهداشتی و آموزشی به ارائه خدمات در آنجا می‌پردازد.

- حی‌الامین: در منطقه قدیمی الشاغور، نزدیک باب مصلی واقع شده است. در دهه پنجاه قرن گذشته، اردوگاه آلیانس یا آنچه اردوگاه جوره

نامیده می‌شد، در این منطقه وجود داشت. آنرا از نظر بهداشتی و آموزشی در این مجتمع خدمات ارائه می‌دهد که علاوه بر این منطقه، آوارگان فلسطینی موجود در مناطق ملیحه، شبعاً و غوطه شرقی را نیز شامل می‌شود.

- قابون: یک مجتمع بزرگ است که بیشتر ساکنان آن از روستاهای طنطوره و غویر ابو شوشه هستند و منازل این مجتمع با منازل سوری‌ها مشترک است. این مجتمع از میدان عباسیین، ۳ کیلومتر فاصله دارد و آنرا در آنجا خدمات آموزشی و بهداشتی ارائه می‌دهد.

- برزه: یا آنچه اردوگاه حطین اطلاق می‌شود. مشکل چندان ندارد و آن نیز ۳ کیلومتر از میدان عباسیین فاصله دارد و آنرا به آنجا خدمات ارائه می‌دهد.

- جوبرو و زمکا: مجتمعی است که تنها مختص فلسطینی‌ها نیست؛ اغلب آوارگان در این منطقه، از عشیره زغریه و روستای مجیدل می‌باشند.

- دوما: مجتمعی بزرگ برای آوارگان فلسطینی است که سوری‌ها نیز به طور مشترک در آنجا سکونت دارند. ساکنان این مجتمع از مناطق صغد، الطیره و دیگر شهرها و روستاهای فلسطین هستند.

- دمر: مجتمعی بزرگ برای آوارگان فلسطینی است و آنرا در آنجا خدمات بهداشتی و آموزشی ارائه می‌دهد.

- المزه: مجتمعی کوچک و قدیمی است. آوارگانی که اهل شهر صغد، روستاها و عشایر آن می‌باشند در این مجتمع سکونت دارند.

- سعسع: مجتمعی کوچک که در نزدیکی شهر قنیطره واقع شده است.

در این مناطق، ۱۷ مدرسه ابتدایی و راهنمایی، ۷ مرکز بهداشت، ۲ کانون بانوان و ۳ مهد کودک وجود دارند. همچنین در شهر دمشق، یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد که وابسته به آنراست. در این مرکز، حدود ۸۷۰ دانشجوی دختر و پسر از





همه اردوگاه‌ها و مجتمع‌های سوریه، مشغول به تحصیل هستند. این مرکز در منطقه المزه واقع شده است.

۲. استان درعا: شمار آوارگان فلسطینی در استان درعا به ۹۸۳۸ آواره می‌رسد که به ترتیب زیر پراکنده شده‌اند:

ترتیب	نام روستا	تعداد خانواده‌ها	تعداد افراد	ملاحظات
۱	مزیریب	۸۳۲	۴۶۲۵	
۲	جلین	۲۴۷	۱۰۳۷	
۳	تل شهاب	۷۷	۳۸۲	
۴	سحم الجولان	۵۸	۳۱۰	
۵	طفس	۵۵	۳۱۰	
۶	طبریات	۵۲	۲۷۰	
۷	العجمی	۵۱	۲۹۵	
۸	نوی	۵۰	۲۷۶	
۹	معلقه	۴۷	۳۷۳	
۱۰	تسیل	۴۶	۲۵۸	
۱۱	عین ذکر	۴۲	۳۰۵	
۱۲	مسراته- صیصون- حماطه	۲۸	۱۶۷	مسراته ۱۹-۱۱۸، صیصون ۷-۳۵، حماطه ۲-۱۴
۱۳	ازرع	۲۲	۵۴	
۱۴	الدلی	۲۱	۱۰۰	
۱۵	خربه غزاله	۱۸	۶۷	
۱۶	عابدین	۱۵	۸۷	
۱۷	شیخ مسکین	۱۵	۱۰۴	
۱۸	جاسم	۱۱	۶۴	
۱۹	شیخ سعد	۱۰	۵۶	



۲۰	المال / قیطه	۱۰	۶۷
۲۱	ملیحه / بصر الحریر / صیدا	۱۰	۶۲
۲۲	جمله	۱۰	۵۱
۲۳	کفر ناسج	۹	۲۶
۲۴	داعل	۹	۴۹
۲۵	یادوده / زیزون	۸	۶۱
۲۶	غاریه ی شرقی	۷	۳۸
۲۷	بصری الشام	۷	۴۱
۲۸	معریه	۶	۳۲
۲۹	عثمان	۵	۳۲
۳۰	کفر شمس	۳	۴
۳۱	سویدا (شهباء - الدور - قریاء - سجن)	۴۹	۲۲۳
	مجموع	۱۸۳۱	۹۸۳۸

۳. ساحل سوریه: طبق آخرین آماری که در ۲۰۰۷/۶/۳۰ در ادارات رسمی استان لاذقیه انجام شد، نزدیک به ۱۰۴۴۸ آواره فلسطینی در ساحل سوریه اقامت دارند که در مناطق زیر پخش شده‌اند:

اعداد	اردوگاه رمل	شهر لاذقیه	جبله	بانیاس	طرطوس	جزیره ارواد	مجموع
تعداد خانواده‌ها	۱۶۳۸	۷۸۰	۱۶	۸۵	۱۶۷	۳۶	۲۷۲۲
افراد	۶۴۱۵	۳۰۳۵	۷۰	۳۳۲	۴۴۶	۱۵۰	۱۰۴۴۸

شمار ثبت شده آوارگان در اداره آوارگان لاذقیه تا تاریخ ۲۰۱۰/۱۲/۳۱ به ترتیب زیر است:

منطقه	لاذقیه	مخیم	جبله	باتیاس	طرطوس	ارواد	الحفه	کسب	صافیتا
تعداد افراد	۳۲۵۳	۶۷۲۸	۶۸۴	۳۵۱	۴۸۸	۱۶۸	۱۰	۸	۱
تعداد خانواده‌ها	۸۳۳	۱۸۰۲	۱۶۲	۹۵	۱۹۲	۴۰	۳	۱	۱

مجموع کلی ساکنان به ۱۱۶۹۱ آواره و تعداد ۳۱۲۹ خانواده می‌رسد.

۴. استان‌های حلب، حماه و حمص: شمار آوارگان فلسطینی در استان حلب به ۳۷۸۰۰ آواره می‌رسد که در روستاهای حلب و محله‌های شهر پراکنده شده‌اند. تنها در شهر ۱۱۹۵۱ آواره وجود دارند و در دو منطقه منبج و الباب و محله‌های حمدانیه، سیف‌الدوله، صلاح‌الدین، میدان و میسلون تمرکز یافته‌اند.

شمار آوارگان فلسطینی در استان حماه، ۱۰۲۰۰ آواره برآورد می‌شود؛ اما در شهر حماه این تعداد به ۶۴۷۰ آواره می‌رسد که در میان ۱۴۱۷ خانواده فلسطینی پراکنده شده‌اند.

سایر استان‌ها: اما پراکندگی آوارگان در دیگر استان‌های سوریه به این ترتیب خلاصه می‌شود: استان قنیطره ۱۲۰۰ آواره؛ استان رقه ۶۰۰ آواره؛ استان سویدا ۲۲۳ آواره، استان حسکه ۶۰۰ آواره؛ استان دیرالزور ۱۷۸ آواره و در منطقه قامشلی ۱۴ آواره.

**اثر پراکندگی جغرافیایی بر آوارگان فلسطینی:** این پراکندگی جغرافیایی موجب شده که آوارگان فلسطینی در هر منطقه سوریه از حوادثی که در آنجا رخ می‌دهد، تأثیر بپذیرند. با وجود وابستگی کلی هر فلسطینی آواره و احساس سرنوشت مشترک، این امر مانع از ایجاد احساس وابستگی به یک منطقه نمی‌شود. این وابستگی در هر منطقه نسبت به منطقه دیگر متفاوت است. این پدیده همراه با ضعف تأثیر کار گروهی و ملی، برای آوارگانی که خارج از اردوگاه‌ها و مجتمع‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر از دیگران جلوه می‌کند.

با مرور زمان و نقش روابط گوناگونی که از رابطه خانوادگی در نتیجه خویشاوندی گرفته تا روابط کاری و تحصیلی را شامل می‌شود، همه این عوامل موجب شده که آوارگان به اندازه وابستگی خود به سرنوشت فلسطین، به سرنوشت سوریه نیز تعلق خاطر پیدا کنند.

این امر در میزان واکنش آنها نسبت به مسائل سوریه تأثیر گذار بوده است.

### هیئت‌ها و سازمان‌های مربوط به آوارگان فلسطینی در سوریه

آوارگان فلسطینی سوریه در مقایسه با اوضاع افراد مشابه خود در کشورهای عربی همسایه، وضعیتی نسبتاً «خوشایند» دارند. اما با وجود این وضعیت «خوشایند»- اگر این تعبیر جایز باشد- آنها با وظایف غیرمقرر بر آوارگان فلسطینی در کشورهای دیگر، مانند خدمت اجباری سربازی مواجه هستند که آنها را در معرض «سلطه»ی سیاسی و سازمان‌یافته بزرگی از سوی قدرت حاکم قرار می‌دهد.

امور آوارگان فلسطینی سوریه از طریق دو هیئت اصلی ساماندهی می‌شود: نخستین مورد، نماینده کشور میزبان است که همان «هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب» می‌باشد و وظیفه آن در درجه نخست، اداری- سازمانی است و دومین مورد نماینده سازمان ملل است که عبارت است از «آژانس سازمان ملل برای امداد رسانی و اشتغال فلسطینی‌ها در خاور نزدیک (آنروا)» که وظیفه آن در درجه نخست، امدادی است.

۱. هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب: این هیئت در ۱۹۴۹/۱/۲۵ تحت عنوان «سازمان کل آوارگان فلسطینی عرب» تأسیس شد. این نام، بعدها در تاریخ ۱۹۷۴/۲/۱۵ به موجب یک آیین‌نامه اصلاح شد و به «هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب»، تغییر نام داد. هدف این هیئت چنان که در پایگاه اینترنتی خود شرح داده است، «ساماندهی به امور آوارگان فلسطینی عرب، حمایت، تأمین نیازهای گوناگون، ایجاد مشاغل مناسب برای آنان و پیشنهاد تدابیری برای تثبیت اوضاع آوارگان در حال و آینده»<sup>۱</sup> می‌باشد. این هیئت نقش مهمی در ابعاد اداری، تشکیلاتی و آرشو دارد، اما نقش امدادی و آموزشی آن ضعیف است. این هیئت نه تنها تحت سیطره دولت و دستگاه‌های آن است، بلکه به مثابه یکی از ابزارهای حکومتی نیز می‌باشد که از طریق وزارت کار و امور اجتماعی، زیر مجموعه نخست‌وزیری قرار می‌گیرد. در نتیجه مواضع آن از چارچوب موضع رسمی نظام سوریه خارج نیست. این هیئت از طریق بیانیه‌ها یا پایگاه اینترنتی خود، این مواضع را بازگو نموده است. به عنوان مثال در ۲۵ مارس ۲۰۱۲، بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن آمده است:

از سوی تمامی کارکنان هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب و نهادهای

۱. پایگاه رسمی هیئت کل آوارگان فلسطینی عرب بر روی اینترنت:





آن، این جنایات تروریستی مرتد را به شدت تقبیح و محکوم می‌کنیم و تجدید پیمان می‌کنیم که سربازان وفاداری برای سوریه عربوت و مقاومت به رهبری فرمانده خط حزب و ملت ما جناب رئیس جمهور دکتر بشار اسد، باقی بمانیم و خون و جان خود را در راه سوریه بزرگ تقدیم می‌کنیم. میهنی که به زودی این جنگ جهانی برافروخته شده علیه خود را نبود خواهد کرد، چنان که در گذر تاریخ نیز همین گونه بوده است و پرچم‌های عربوت، شرف و مقاومت در آسمان سوریه برافراشته خواهد ماند.<sup>۱</sup>

۲. آژانس سازمان ملل برای امداد رسانی و اشتغال فلسطینی‌ها در خاور نزدیک (آنروا):

این آژانس با قطعنامه ۳۰۲ صادره از مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۴۹/۱۲/۸ تأسیس گردید.

این قطعنامه حاوی این مطلب بود که آنروا به آوارگان فلسطینی کمک‌های بشردوستانه ارائه نماید، تازمانی که به یک راه‌حل عادلانه برای مسئله خود برسند. این آژانس کار خود را در تاریخ ۱۹۵۰/۵/۱ آغاز کرد.

آنروا امداد رسانی به آوارگان را در عرصه‌های مختلف فراهم نموده است و به جنبه‌های آموزشی، بهداشتی و خدمات اجتماعی اهتمام می‌ورزد. این آژانس هیچ‌گونه نقش سیاسی را ایفا نمی‌کند و فعالیت خود را منحصر به جنبه امدادی نموده و در حیطه کار خود، حمایت از آوارگان را بر عهده نگرفته است. نهایت کاری که آژانس در این راستا می‌تواند انجام دهد، ارسال گزارش به سازمان ملل متحد و درخواست فراهم کردن حمایت از کشورهای میزبان برای آوارگان است.

آنروا در مجموع ۱۱۸ مدرسه را اداره می‌کند که همه آنها با نظام دو شیفتی فعالیت می‌کنند و یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای نیز به این تعداد افزوده می‌شود. آنروا خدمات مراقبت‌های بهداشتی را از طریق ۲۳ مرکز مراقبت بهداشتی اولیه، فراهم می‌کند. همچنین بر ۵ مرکز تأمین اجتماعی و ۵ مرکز جهت برنامه‌های زنان نیز نظارت دارد. این مدارس و مراکز به طور پراکنده در اردوگاه‌ها و مجتمع‌های فلسطینی وجود دارند که این اطلاعات طبق آمار سال ۲۰۱۰ می‌باشند.<sup>۲</sup>

پیش از آغاز بحران سوریه، آنروا وضعیت سوریه را «یک محیط سیاسی دارای ثبات»

۱. این بیانیه در روزنامه *الغد*، روزنامه رسمی سوریه در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۲ منتشر شده بود.

۲. پایگاه رسمی آژانس آنروا، صفحه منطقه سوریه:

آوارگان فلسطینی اگر چه هیچ وقت از بازگشت به سرزمین خود ناامید نشده‌اند ولی کشورهای عربی نیز در هیچ دوره‌ای نیازهای انسانی و اولیه آنها را به شایستگی تقبل نکرده‌اند

توصیف می‌کرد که این ویژگی با توجه به وضعیت ثبات سیاسی نسبی در آنجا استنباط شده بود. اما شعله‌ور شدن سریع حوادث، بر فعالیت این آژانس و توانایی آن در ارتباط با شعبه‌های فرعی در استان‌ها سایه افکند و خدماتی که آنرا در برخی مناطق ارائه می‌داد، تحت تأثیر قرار گرفت؛ به‌ویژه در مناطقی که «ملتهب» به شمار می‌رفت؛ این امر در نتیجه دشواری رسیدن به آن مناطق با توجه به عملیات

نظامی بود. بارقه‌های این تأثیرپذیری زمانی بود که دولت سوریه عملیاتی را علیه شهر درعا آغاز کرد و پس از آن دستیابی به شهر درعا مشکل شد. در نتیجه آنرا در تاریخ ۹ مه ۲۰۱۱، ارائه خدمات به آوارگان فلسطینی شهر درعا را به حالت تعلیق در آورد.<sup>۱</sup> آنرا معمولاً در امور سیاسی کشورهایی که در قلمرو آنها فعالیت دارد، دخالت نمی‌کند و تنها به این بسنده می‌کند که هر یک از طرف‌ها را به آرامش دعوت کند و گزارش‌هایی را از اوضاع جاری به سازمان ملل ارسال نماید. از جمله آنها بیانیه صادره در خصوص اوضاع سوریه در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۱ است. در این بیانیه آمده است که «کمیسر عالی آنرا در پی زیان‌های جانی و صدماتی که آوارگان فلسطینی سوریه در خلال حوادث اخیر در معرض آن قرار گرفته‌اند، اندوه عمیقی را احساس می‌کند [...] و این آژانس [آنرا] قاطعانه همه جناح‌ها را به آرامش و خویش‌داری فرا می‌خواند و از همه افراد ذریب‌دعوت می‌کند که به نحو مطلوب و به موجب حقوق بین‌الملل، پاسدار قداست زندگی بشری باشند تا از سلامت و کرامت همگان حمایت شود و تضمینی برای پرهیز از زیان‌های جانی بیشتر باشد.»<sup>۲</sup>

همچنین سخنگوی رسمی آنرا، کریستوفر گانز در تاریخ ۱۴ آگوست ۲۰۱۱ بیانیه‌ای صادر کرد که در آن نگرانی شدید آژانس را نسبت به برخی گزارش‌ها ابراز کرده بود. این گزارش‌ها حاکی از «شلیک‌های فراوان نیروهای امنیتی سوریه به داخل اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در محله رمل و مناطق حومه آن در لاذقیه» بود؛ همچنین به کارگیری زور علیه غیرنظامیان را محکوم کرده و از نیروهای سوری خواسته بود که تا حد ممکن خویش‌داری ورزند و تقاضای گشوده شدن عرصه در مقابل کمک‌های انسان‌دوستانه را مطرح کرده بود تا بتواند به شکل سریع و آسان به مجروحان و

۱. بیانیه صادره از سخنگوی رسمی آنرا، کریستوفر گانز، در تاریخ ۹ مه ۲۰۱۱.

۲. بیانیه صادره از آنرا در خصوص اوضاع سوریه در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۱.





آسیب دیدگان، کمک نماید.

قابل ذکر است که آنروا، میان خانواده‌های فلسطینی در اردوگاه رمل، کمک‌های مالی فوری توزیع کرده بود که این امر پس از آغاز دوباره فعالیت آژانس، در پی ورود ارتش سوریه به منطقه رمل جنوبی بود؛ جایی که اردوگاه در آنجا واقع شده است. آن گونه که به نظر می‌رسد، تعامل آنروا با رویدادها در حیطة رسالت کلی آن یعنی امداد به آوارگان است. از این رو تجاوز به آنان را محکوم می‌کرد و در عین حال تقاضا داشت که با آزادی و بدون هیچ محدودیتی فعالیت خود را همچنان ادامه دهد و تنها از این طریق بود که درباره بحران سوریه سخن می‌گفت.

با وجود آن که آنروا برای حمایت از آوارگان، نیروی مادی ندارد، اما به واسطه نیروی نرمی که از آن برخوردار است - این که یک سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل می‌باشد - تبدیل به پوششی برای فلسطینی‌ها شده است؛ به ویژه برای کسانی که در اردوگاه‌ها سکونت دارند. از این رو اردوگاه‌های فلسطینی بیش از هر مکان دیگری، امن به شمار آمدند و این همان چیزی بود که موجب شد خانواده‌های سوری ساکن در مناطقی که عملیات نظامی در آنها انجام می‌شد، به اردوگاه‌ها پناه بیاورند؛ چنان که در حمص، حماه، درعا و لاذقیه به وقوع پیوست.

### رنج آوارگان فلسطینی سوریه در مسیر منتهی به آوارگی جدید

آوارگان فلسطینی سوریه در مقابل بحران سوریه، به اصل «بی طرفی» مثبت پایبند بودند و اردوگاه‌های آنان پذیرای مهاجران سوری شد - دقیقاً در مناطق مورد نزاع و درگیری مانند درعا، حمص، لاذقیه، ریف دمشق و دمشق - به طوری که شمار ساکنان اردوگاه‌های فلسطینی در برخی موارد تا سه یا چهار برابر افزایش یافت؛ به طور مثال در اردوگاه یرموک وضع به همین منوال است. با وجود همه این‌ها و با توجه به نزدیکی اردوگاه‌ها به مرکز شهرهای سوریه، دامنه آتش و خشونت مقابله‌ها به سرعت به این اردوگاه‌ها رسید که ابتدا از درعا و حمص آغاز شد و سپس به اردوگاه یرموک در دمشق رسید.

اردوگاه‌هایی که آزادانه انتخاب شده بودند تا پناهگاهی امن برای آوارگان و مهاجران سوری باشند. کسانی که از ویرانی‌های خشونت و درگیری خونین گریخته بودند؛ اما همین اردوگاه‌ها به مناطق تنش، درگیری، مبارزه و تعقیب تبدیل شدند و در بسیاری از اردوگاه‌ها و مناطق سوریه، ده‌ها شهید به جا ماندند. آمارهای متناقضی در تعیین



اردوگاه یرموک در روزهای اخیر

تعداد آنها وجود دارد؛ به طوری که تا زمان تدوین این پژوهش در اواسط اکتبر ۲۰۱۲، تعداد آنها میان ۴۰۰ تا ۵۰۰ شهید متغیر بوده است؛ علاوه بر هزاران مجروح غیر نظامی، اورژانسی و پزشکی که طی بحران کنونی مورد هدف قرار گرفتند. همین امر باعث شد که خروج از اردوگاه‌ها برای صدها خانواده فلسطینی به بهترین گزینه تبدیل شود. کافی است که هر پژوهشگری از مرکز مهاجرت و گذرنامه‌های سوری مختص فلسطینی‌ها در منطقه عین‌الکرش و در دل پایتخت دیدن کند تا دریابد که موجی از خانواده‌های فلسطینی قاطعانه تصمیم گرفته‌اند از سوریه خارج شوند و به کشورهای همسایه یا دورتر مهاجرت کنند. این امر، در مقابل موج عظیم مهاجرت‌ها، ناقوس خطر را به صدا در می‌آورد؛ مشابه چیزی که حضور مردم سوریه در کشورهای همسایه با آن آشناست. اما یک تفاوت اساسی و مهم وجود دارد که عبارت است از نحوه تعامل این کشورها با آوارگان فلسطینی مهاجر از سوریه طبق معیارهای شدید و سختگیرانه که در بیشتر مواقع، توافق‌های امنیتی را می‌طلبد. مثلاً مدت اقامت بیش از یک ماه مجاز نیست که البته در آغاز بحران این مدت از یک هفته تجاوز نمی‌کرد؛ لبنان مصداق چنین وضعیتی است؛ یا این که کاملاً مانع از ورود فلسطینی‌ها می‌شوند؛ حتی به اردوگاه‌هایی که برای آوارگان برپا شده‌اند و به طور آشکار رفتاری خصمانه را با آنان در پیش می‌گیرند؛ تا آنجا که این آوارگان ناگزیر می‌شوند از طریق مرزها و گذرگاه‌های غیر قانونی بازگردند. افراد گریزان از مناطق درگیری نیز همین راه‌ها را در پیش می‌گیرند که در اردن، وضعیت همین گونه است.

شایان ذکر است که بیشترین رویکرد مهاجرت فلسطینی‌ها به سوی لبنان و اردن بوده که این امر با توجه به نزدیکی جغرافیایی و خانوادگی با این دو کشور است. آنروا، تعداد



۵۰۰۰ آواره فلسطینی از سوریه را در هر یک از کشورهای اردن و لبنان ثبت کرده است. از آنجا که این دو کشور برای تعداد کثیری از آوارگان فلسطینی، وطن محسوب می شود، گروه های جدید آوارگان تبدیل به یک معضل سیاسی شده اند و در میان فلسطینی ها، این احساس به وجود آمده که به طور ناعادلانه با آنها رفتار می شود.

## آوارگان فلسطینی در سوریه

«بعد از شش دهه آوارگی، خروج به سوی یک آوارگی جدید»

کابی جمال

ترجمه خدیجه رسولی

آوارگان فلسطینی از شش دهه و اندی پیش، گروه گروه به سوریه آمدند، جایی که در دو سطح رسمی و مردمی با نهایت خوشرویی مورد استقبال قرار گرفتند و فلسطینی ها در آنجا تا حدود زیادی رنگ ثابت و استقرار را دیدند. اما پس از انفجار بحران سوریه در مارس سال ۲۰۱۱، همه چیز در زندگی آنها دگرگون شد. اردوگاه ها و مجتمع های فلسطینی به سیاست نظاره گری و خویشتن داری پایبند بودند. همین امر فلسطینی ها را هر چند برای مدتی کوتاه، از بازتاب های این بحران به دور نگه داشته و اجازه داده بود که این مکان ها به پناهگاه های نسبتاً امنی برای صدها هزار شهروند سوری تبدیل شوند. شهروندانی که از شهرها و روستاهای سوریه به آنجا کوچ کرده بودند تا از زیر فشار این درگیری بگریزند. همین درگیری ها آنان را از شهروندان حکومت به مهاجران ساکن در اردوگاه های آوارگان تبدیل کرده بود. اما به دنبال آغاز ماه ژوئیه سال جاری، اوضاع کاملاً وارونه شد. از یک سو مجتمع ها و اردوگاه های فلسطینی - به ویژه آنها که در حومه پایتخت سوریه، دمشق واقع شده بودند - عهده دار اسکان نیمی از مهاجران سوری در داخل اراضی سوریه شدند. در نتیجه انتقال درگیری به مناطق فلسطینی نشین، آوارگان فلسطینی یک بار دیگر خود را ناگزیر دیدند که راه حل جدیدی را برای آوارگی خود بیابند و این بار روانه لبنان شدند. در بزرگ ترین موج هجرت ها که از زمان آشفتگی اوضاع در سوریه ثبت شده است، ۳۰۰۰۰ آواره سوری در روز ۱۶ ژوئیه ماه گذشته (سال ۲۰۱۲)، وارد لبنان شدند. در میان آنها ۶۵۰ خانواده فلسطینی - سوری وجود داشتند که اغلب آنان از حومه شهر دمشق به ویژه اردوگاه یرموک و محله های حجرالاسود، تزامن و میدان آمده بودند. به این ترتیب روز به روز بر تعداد خانواده های آواره فلسطینی - سوری افزوده می شد. کسانی که به دنبال امنیت بودند و همگی می خواستند



معنای زندگی در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در کشور لبنان را تجربه کنند.

### خروج از سوریه به سوی دیگر مناطق مجاور... به سوی لبنان

فلسطینی‌های سوریه در محاسبات خود هیچ‌گاه امکان مهاجرت دوباره از سوریه را به خارج از مرزهای این کشور در نظر نگرفته بودند. اما عواملی که فلسطینی‌ها را وادار به این کار کرد، سهمگین‌تر از آن بودند که بتوان تحمل کرد. دلایل اصلی این امر، حول سه محور می‌چرخد: عدم امنیت پس از انتقال درگیری‌ها به محله‌ها و اردوگاه‌های فلسطینی‌نشین؛ گرانی فاحش در نتیجه کمیاب شدن کالاها و اساسی؛ درصد بالای بیکاری و عدم امکان دستیابی به شغل در نتیجه تداوم بحران در سوریه که بیش از دو سال و نیم ادامه یافته است.

### عوامل تعیین‌کننده پراکنده‌گی فلسطینی‌ها در لبنان

آن دسته از آوارگان فلسطینی که از اردوگاه یرموک و محله‌های مجاور آن آمده بودند، ابتدا به سوی منطقه‌ی «بقاع» رفتند که این رویکرد با توجه به نزدیکی جغرافیایی و رابطه خویشاوندی با خانواده‌های فلسطینی در لبنان بود. این افراد میان اردوگاه الجلیل (واول) در بعلبک، شهرک‌های لبنانی در بقاع الاوسط مانند سعد نایل، تغلبایا، المرح، قب‌الیاس و شتوره پخش شدند. الجلیل، در اصل اردوگاهی کم مساحت است که از ساختار بزرگی تشکیل شده است. این اردوگاه در گذشته یک پادگان نظامی فرانسوی بود و چند خانه به طور پراکنده پیرامون آن را گرفته بودند. ساکنان این اردوگاه ناچار شدند، پذیرای ۳۰۰ خانواده فلسطینی مهاجر از سوریه شوند. در شمال لبنان، عدم اتمام عملیات بازسازی اردوگاه نهرالبارد و تنش‌های مکرر امنیتی در شهر طرابلس، مانع از آن شد که اردوگاه مذکور، میزبان شمار بیشتری از خانواده‌های آواره باشد و بیشتر سنگینی بار میزبانی از این خانواده‌ها بر دوش اردوگاه بداوی افتاد که ۳۰۰ خانواده را پناه داده است. در عین حال این اردوگاه تاکنون پذیرای حدود ۵۰۰۰ آواره از اردوگاه نهرالبارد بوده است؛ علاوه بر ساکنان قبلی آن که شمار آنان به بیش از ۱۲۰۰۰ آواره فلسطینی می‌رسید. بیروت برای بیشتر خانواده‌های آواره تنها یک راه گذر بوده و نه بیشتر. این امر به دلیل هزینه‌های بالای معیشتی و افزایش اجاره‌بهای ماهانه می‌باشد که خانواده‌های آواره قادر به پرداخت آن نیستند. از این رو حدود یک سوم از خانواده‌های آواره (۷۰۰ خانواده از کل ۲۱۲۴ خانواده ثبت شده) روانه جنوب بیروت شده و به طور





کلی به اردوگاه‌ها و مجتمع‌های فلسطینی در اطراف شهرهای صیدا، صور و منطقه اقلیم الخروب روی آورده‌اند.

گزارش زیر،<sup>۱</sup> چگونگی توزیع آوارگان فلسطینی مهاجر از سوریه را، در اردوگاه‌ها و مجتمع‌های فلسطینی گوناگون و همچنین دیگر مناطق لبنان نشان می‌دهد.

منطقه صیدا	
اردوگاه عین الحلوه	۳۹۴ خانواده
صیدا البلد	۸۰ خانواده
اردوگاه میه و میه	۷۱ خانواده
اقلیم الخروب	۸۵ خانواده
مجموع	۳۶۰ خانواده

منطقه بیروت	
اردوگاه برج البراجنه	۹۸ خانواده
اردوگاه شتیلا	۱۲۵ خانواده
اردوگاه مار الیاس	۳۴ خانواده
مجموع	۲۵۷ خانواده

منطقه بقاع	
اردوگاه الجلیل (واول)	۲۹۰ خانواده
بقاع الاوسط	۳۱۲ خانواده

منطقه طرابلس	
اردوگاه بدای	۲۲۵ خانواده
اردوگاه نهر الباراد	۱۷۷ خانواده
مجموع	۴۰۲ خانواده

منطقه صور	
اردوگاه برج شمالی	۱۲۷ خانواده
اردوگاه البص	۳۳ خانواده
اردوگاه رشیدییه	۳۶ خانواده
اردوگاه‌های شبریا، معشوق و جل البحر	۳۷ خانواده
مجموع	۲۳۳ خانواده

جمع کل در سراسر لبنان: ۲۱۲۴ خانواده

۱. این گزارش را کمیته‌های مردمی فلسطینی در لبنان تهیه کرده‌اند که در ۲۰۱۲/۹/۲۴ منتشر شده است. هنگام بازنگری این گزارش توسط سردبیر کمیته‌ها «بوایاد شعلان» در ۷ نوامبر، هنوز آمار جدیدی منتشر نشده بود و علت آن طبق این منبع، به تعداد محدود خانواده‌هایی که بعد از این تاریخ آمده‌اند، باز می‌گردد.

## وضعیت انسانی اردوگاه‌ها و چالش‌های آوارگی جدید

وضعیت انسانی در اردوگاه‌ها، دیر زمانی است که تبدیل به یک بار سنگین شده و زندگی روزمره آوارگان فلسطینی لبنان را تحت فشار قرار داده است. مهاجرت اخیر خانواده‌های فلسطینی از سوریه، چالش‌های بیشتری را در زمینه‌های گوناگون بر آنها تحمیل کرده است. اردوگاه‌هایی که ناگزیر به اسکان این خانواده‌ها شده‌اند، خود فرسوده‌اند و طی شش دهه، با انبوهی از مشکلات مواجه بوده‌اند. این مشکلات با عقب ماندن طرح‌های زیرساختی آغاز می‌شود؛ طرح‌هایی که همگام با رشد روزافزون جمعیتی، نوسازی نشده‌اند. نبود شرایط مناسب بهداشتی، محیطی و آموزشی در اغلب سکونت‌گاه‌ها نیز یکی دیگر از این مشکلات است که به مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی ختم نمی‌شود بلکه تعدادی از قوانین لبنان نیز در وخامت این وضعیت سهیم بوده‌اند. این قوانین آوارگان فلسطینی را از شرایط یک زندگی معمولی محروم می‌کند که از مهم‌ترین آنها تنگ کردن عرصه فرصت‌های شغلی است. با توجه به اهمال سه نهاد مسئول - جامعه بین‌الملل از طریق آژانس آنروا، سازمان آزادی‌بخش و علاوه بر آنها دولت لبنان - در پاسخگویی به نیازهای این آوارگان، همه‌ی این عوامل، موجب شده که جامعه فلسطینی لبنان در تعامل با هرگونه بحران اضطراری از این دست، آمادگی نداشته باشد که در گذشته چنین وضعیتی طی بحران اردوگاه نهر البارد در سال ۲۰۰۷ به وضوح مشاهده شده بود؛ به طوری که مهاجرت بیش از ۴۰۰۰۰ آواره آن اردوگاه، بازتاب‌های بشری گسترده‌ای داشت. همین امر در کنار بحران اضطراری جدید، نشان‌دهنده نیاز کنونی به یک جمعیت اضطراری فلسطینی است تا به طور دائم در لبنان فعال باشد.

### تعامل هر یک از هیئت‌های بین‌المللی دولت لبنان، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و جامعه مدنی با چالش‌های آوارگی فلسطینی‌های سوریه در لبنان چگونه است؟

هیئت‌ها و طرف‌هایی هستند که یا در این رابطه مسئولیتی دارند یا به طور فعال، اوضاع آوارگان فلسطینی سوریه را پیگیری می‌کنند که اعم از هیئت‌های بین‌المللی و محلی می‌باشند و عبارت‌اند از:

- جامعه بین‌الملل که آژانس آنروا نماینده آن است و طبق مأموریت واگذار شده به آن از طریق کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، مسئول پیگیری امور آوارگان فلسطینی در لبنان و سوریه می‌باشد.





- دولت لبنان، از طریق هیئت عالی امداد و انجمن گفت و گوی لبنان - فلسطین.  
 - سازمان آزادی بخش فلسطین که از دو طریق به این امر می پردازد: یکی از طریق هیئت هماهنگی که متشکل از گروه های فلسطینی است و دیگری از طریق گروه های پیگیری که نشئت گرفته از کمیته های مردمی فلسطین در اردوگاه های لبنان می باشند.  
 - جامعه مدنی و داخلی فلسطینی و لبنانی و برخی سازمان های عربی و بین المللی.  
 به منظور همسو نمودن تلاش ها میان طرف های ذیربط، یک کمیته هماهنگی مرکزی تشکیل شده که شامل این ارگان ها می باشد: آژانس آنروا، سفارت فلسطین در لبنان، کمیته های مردمی وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین، کمیته های مردمی وابسته به نیروهای هم پیمان فلسطینی، علاوه بر تعدادی از سازمان های جامعه مدنی فلسطین.

### نقش آژانس آنروا

در اینجا پیش از آن که به نحوه عملکرد آژانس آنروا و ارائه خدمات به آوارگان فلسطینی مهاجر از سوریه بپردازیم، باید به این نکته اشاره کنیم که سخنگوی آنروا، کریس گانز، در ۱۲ مه ۲۰۱۱ اعلام کرده بود که خدمات این آژانس برای فلسطینی های سوریه به حالت تعلیق در آمده و این امر پیش از آغاز مهاجرت فلسطینی های سوریه به لبنان، باری اضافه را بر دوش آنان نهاد. آنروا در آوریل ۲۰۱۲ یک فراخوان بین المللی را اعلام کرده بود تا مبلغ ۵۴ میلیون دلار امریکا را جمع آوری نموده و آنها را در جهت پوشش دادن عملیات امدادی برای آوارگان فلسطینی مهاجر داخل سوریه و آوارگانی که به اردن و لبنان رفته بودند، به کار گیرد. این کار با هدف ارائه کمک های غذایی، پزشکی و آموزشی علاوه بر بهبود زیرساخت ها از جمله سلامت محیطی انجام پذیرفت. این طرح

همچنین، ایجاد مکان‌هایی برای اسکان آوارگان را نیز مدنظر قرار داده بود. از این مبلغ، ۸ میلیون دلار به آوارگان فلسطینی مهاجر از سوریه به لبنان اختصاص یافت و آژانس تا ماه اکتبر موفق به دریافت تنها ۲۵۰۰۰۰ دلار گردید.

دفاتر آژانس در مناطق گوناگون، ابتدا به تهیه فهرست‌هایی از خانوارهای فلسطینی مهاجر از سوریه همت گماشتند. بدین منظور آن دسته از فلسطینی‌ها که برای استفاده از خدمات درمانگاه‌های آژانس در لبنان مراجعه می‌کردند، مورد سرشماری قرار گرفتند و نتیجه آن با فهرست‌های آژانس در سوریه مقایسه شد. سپس این فهرست‌ها با فهرست‌های دیگری مقایسه شدند که کمیته‌های مردمی فلسطین آنها را با هزینه سفارت فلسطین در لبنان، آماده کرده بودند. آژانس اقرار کرده که نه از بعد مالی و نه از بعد عملیاتی آمادگی برخورد با این مشکل را نداشته، اما به سرعت در جهت تسهیل دستیابی این افراد به خدمات بهداشتی اقدام کرده است؛ به طوری که از نظر امکان دستیابی به این خدمات، مانند یک آواره فلسطینی در لبنان با آنها رفتار شد. در نتیجه فراخوان امدادی که آژانس آن را اعلام کرده بود، مبلغی معادل چهار میلیون دلار به دست آمد که در پاسخ به نیازهای روزافزون در درمانگاه‌ها، آن مبلغ به نوسازی داروخانه‌ها اختصاص یافت. همچنین سهمیه‌هایی شامل لوازم آشپزخانه، لوازم بهداشتی و دیگر ملزومات خانواده‌های آواره، تأمین گردید؛ اما هنوز نیازهایی بسیار گسترده‌تر از امکانات وجود دارند. در کنار چالش‌هایی که با آمدن فصل زمستان تحمیل می‌شوند، احتمال افزایش شمار آوارگان با توجه به پیچیدگی روزافزون بحران سوریه نیز وجود دارد.



در رابطه با آموزش، آنرا مدارس خود را برای ثبت نام و تحصیل فرزندان افراد آواره از سوریه گشوده است؛ اما ملاحظه شده که با شروع سال تحصیلی، هیچ یک از آنها برای ثبت نام مراجعه نکرده و در دوره‌های بعدی تعداد بسیار محدودی از آنها ثبت نام کرده‌اند. یکی از دلایل خودداری آنها از ثبت نام، اختلاف شیوه تدریس مورد پیگیری در هر یک از کشورهای سوریه و لبنان است. بحران اقتصادی که به دنبال خود بسیاری از خانواده‌ها را دچار رنج و عذاب نموده، موجب بازگشت بسیاری از آنها به سوریه شده است؛ به‌ویژه این که با آغاز سال تحصیلی، مدارس آنرا در سوریه نیز شروع به فعالیت نمودند. آنرا معتقد است که مدارس آن در لبنان، می‌تواند تمامی دانش‌آموزان آواره را در خود بگنجانند که این امر با ایجاد کلاس‌های جداگانه برای این دانش‌آموزان و با در نظر گرفتن اصلاح شیوه درسی میسر است؛ اما همه این‌ها منوط به پاسخ جامعه بین‌الملل به فراخوان تأمین بودجه صندوق اضطراری است.

منابع آژانس برای پوشش دادن نیاز فلسطینی‌های سوریه، با عدم مشارکت اقتصادی جامعه مدنی فلسطین مواجه شده‌اند. ولی مهم‌تر از آن، عدم اهتمام رسانه‌های محلی یا عربی برای برجسته کردن این وضعیت اسفبار، در مقابل تلاش رسانه‌ای غرب است.

### کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

طبق حقوق بین‌الملل و طبق تعریف کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، عنوان «آواره» بر هر فردی اطلاق می‌شود که از مرزهای کشوری که در آن سکونت داشته، خارج شده و به یکی از کشورهای همسایه مهاجرت کند که این مهاجرت در نتیجه تنش‌های به وجود آمده در خاک کشور نخست می‌باشد. اما این تعریف با وضعیت آوارگان فلسطینی که از سوریه به لبنان واردن مهاجرت کرده‌اند، منطبق نیست. از این رو با توجه به وضعیت جدید این آوارگان، کمیساریا آژانس آنرا را، طبق اختیارات واگذار شده به این آژانس، نهادی می‌داند که مجاز به رسیدگی به امور آنان است. نخست به این دلیل که آنها فلسطینی هستند و دوم آنها به کشورهای دیگری نقل مکان کرده‌اند که مشمول فعالیت‌های آژانس واقع می‌شوند. یعنی کمیساریا، فلسطینی‌های سوریه را با سوری‌هایی که به همان کشورها مهاجرت کرده‌اند، برابر نمی‌داند. اما در مقابل، کمیساریا به آن دسته از فلسطینی‌های سوریه که به ترکیه مهاجرت کرده‌اند، اهتمام ورزیده است به این اعتبار که ترکیه جزو کشورهایی که آژانس در آنها فعالیت می‌کند، درج نشده است. در مقابل انتقاد برخی

انتفاضه آوارگان با حرکت آنها به سمت مرزهای فلسطین اشغالی دیدگاهی است که در پس تشریح اوضاع فعلی آنها با این سه مقاله پیش روی، مدنظر است. اگر چه ساقط کننده و وظیفه اعراب، مسلمانان و جهانیان در قبال این ظلم مضاعف نیست

طرف‌های فلسطینی کمیساریا، مبنی بر عدم شمول عملیات امداد رسانی آن به فلسطینی‌های سوریه در لبنان، دیگر طرف‌های کمیساریا معتقدند که ورود کمیساریای عالی پناهندگان به خط امداد رسانی آنها، منجر به خدشه دار شدن نقش آژانس آنروا خواهد شد و به نفع برخی کشورها است که همواره خواستار از میان برداشتن و انحلال آژانس بوده‌اند.

## دولت لبنان

از همان لحظه‌ای که گروه‌های آواره فلسطینی به آن سوی مرزهای سوریه و لبنان رسیدند، رئیس انجمن گفت‌وگوی لبنان-فلسطین خلدون شریف، موضع دولت لبنان را با این سخنان بازگو کرد: «لبنان در تأمین مخارج آوارگان تقریباً ناتوان است و این مسئله در دو سطح اقتصادی و اجتماعی لبنان را تحت فشار قرار می‌دهد.» این مطلب بی‌اعتنایی کامل هیئت عالی امداد رسانی لبنان وابسته به نخست‌وزیری را نسبت به صحنه خدماتی-امدادی این آوارگان نشان می‌دهد. در اینجا می‌توان به این نکته اشاره کرد که مواردی همچون: کشمکش‌های سیاسی در داخل لبنان، بیم برخی گروه‌های سیاسی لبنان از طولانی شدن اقامت آوارگان سوری در خاک لبنان و این که آنها نیز همچون آوارگان فلسطینی، به آوارگان دائمی تبدیل شوند، همه این‌ها دولت لبنان را نسبت به نقش خود در ارائه کمک به آوارگان سوری در لبنان، دچار آشفتگی کرده است. این امر، در ابتدا با مشارکتی شرم‌آور از سوی هیئت عالی امداد رسانی و در ادامه کناره‌گیری کامل آن از این نقش، انعکاس یافت. علاوه بر این کشمکش‌های سیاسی، دولت بیم آن را دارد که با تسهیل ماندن تعداد جدیدی از آوارگان فلسطینی در لبنان، از سوی جناح‌های سیاسی متهم شود. بی‌تردید همین عامل تا حد زیادی در تصمیم‌گیری دولت لبنان سهیم بوده است و موجب شده دولت به هیچ یک از مسئولیت‌های خود در قبال آن دسته از آوارگان فلسطینی که از سوریه به لبنان آمده‌اند، تعهدی نداشته باشد. دولت‌های لبنان یکی پس از دیگری، به پرونده حضور فلسطینی‌ها در لبنان نه با دیدگاه فراگیر انسان دوستانه که همواره با دیدگاه امنیتی محض نگریده‌اند. بنابراین بر خورد امنیتی با آوارگان فلسطینی مهاجر از سوریه بر نحوه تعامل لبنان با آنها غلبه دارد. این امر در اقدامات اداری دنبال شده نمود دارد؛ چه در مرزهای لبنان-سوریه و چه برای کسانی



که مدت اقامت داده شده به آنها به پایان می‌رسد که در آن صورت برای تمدید دوره اضافی اقامت در لبنان یا تلاش برای بازگشت به سوریه با مشکلاتی مواجه می‌شوند.

### نقش سازمان آزادی‌بخش فلسطین، کمیته‌های مردمی و کمیته‌های وابسته به آن

سفارت فلسطین در لبنان، کمیته‌های مردمی در فلسطین و کمیته‌های وابسته به خود را در اردوگاه‌ها مکلف کرده تا طی عملیاتی خانوادگی فلسطینی را که از سوریه می‌آیند، ثبت نمایند. اما نقش این کمیته‌ها محدود به همین ثبت نام شده است که خود با مشکلات فراوانی آمیخته است و هیچ‌گونه امکاناتی که پاسخگوی نیازهای این آوارگان باشد، در اختیار کمیته‌ها قرار داده نشده است. این کمیته‌ها به جمع‌آوری کمک‌های مردمی از دیگر انجمن‌ها و عرضه آن به خانواده‌های آواره بسنده کرده‌اند. در بعضی از اردوگاه‌ها بروز درگیری‌هایی ثبت شده که به عملیات امداد رسانی خدشه وارد کرده و منجر به آن شده که انجمن‌های مشخصی با ویژگی‌های اسلامی به طور انفرادی، عملیات امداد رسانی را در بین خود تنظیم کنند، بی‌آن‌که با کمیته‌های مردمی یا دیگر انجمن‌های ملی هماهنگ باشند. سازمان آزادی‌بخش فلسطین که اساساً نسبت به ایفای هر نقشی در پاسخگویی به نیاز فلسطینی‌های مقیم اردوگاه‌های لبنان، بی‌اعتنا بوده است، از امداد رسانی به فلسطینی‌های آواره از سوریه نیز همچنان شانه خالی می‌کند.

### جامعه مدنی و جامعه داخلی فلسطین

تشکیلات سیاسی فلسطین نارضایتی خود را از سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین به ثبت رسانده‌اند که این نارضایتی در نتیجه بی‌توجهی آنها به مشارکت در عملیات امداد رسانی می‌باشد. واقعیت این است که بعضی از این سازمان‌ها برای پرداختن به بحران‌هایی از این دست، آمادگی ندارند؛ زیرا برنامه‌های عملی و فعالیت‌های آنان روی مسائل و قضایای گوناگون دیگری متمرکز است که روشنگرانه و حقوقی است. این سازمان‌ها در برنامه و بودجه خود، ارائه کمک‌های اجتماعی را در نظر نگرفته بودند و بیشتر آنها در مناطق شعبه ندارند. در عین حال سازمان‌های دیگری که فعالیت آنها توسعه محور بوده، مشارکت‌های چشمگیری برای پاسخگویی به نیاز خانواده‌های آواره، داشته‌اند و انجمن‌های ملی (اتحادیه زنان فلسطینی و باشگاه‌های جوانان) مشارکت‌هایی مشابه را ارائه نموده‌اند. این مشارکت‌ها با تکیه بر اقدامات فردی بوده که شامل جمع‌آوری کمک از انجمن‌های دیگر و انتقال و توزیع آن می‌باشد.



بیشترین بار بر دوش جامعه داخلی و محلی فلسطین یعنی خانواده‌های فلسطینی ساکن در اردوگاه‌های لبنان، سنگینی کرده است. چرا که بیشتر خانواده‌های مهاجر از سوریه، در نتیجه روابط عمیق خانوادگی و روستایی، نزد خانواده‌های فلسطینی اقامت گزیده‌اند. برای آگاهی از حجم این بار کافی است به یک آمار استناد کنیم که به موجب آن، فقط ۵/۳ درصد از خانواده‌های آواره خانه اجاره کرده‌اند، در حالی که خانواده‌های ساکن در اردوگاه‌ها، مسئولیت میزبانی از سایر آوارگان را به عهده گرفته‌اند.

## معضلات و چالش‌های اساسی پیش روی مسئولین، برای پرداختن به بحران مهاجرت فلسطینی‌ها از سوریه

مهاجرت فلسطینی‌ها از سوریه به لبنان، پرونده‌ای بسیار پیچیده را ایجاد کرده و مجموعه‌ای از چالش‌ها و معضلات چندبعدی و چندوجهی را موجب شده است؛ اما می‌توان پنج محور اساسی را به ترتیب زیر برای آن مشخص کرد:

### ۱. آمار

عملیات شمارش تعداد مهاجران فلسطینی از سوریه، در حد خود موجب بروز مشکلی بزرگ شده است. دستگاه امنیت عمومی لبنان از ارائه هر گونه آماری پیرامون تعداد آوارگان فلسطینی که از سوریه آمده‌اند، امتناع می‌ورزد و در عین حال آژانس آنروا از ایفای این نقش خودداری نموده و تنها به ثبت خانواده‌هایی اکتفا کرده که برای استفاده از خدمات بهداشتی درمانگاه‌های آژانس مراجعه کرده‌اند. آمار این آژانس، متکی بر آمار دیگر انجمن‌ها نیز می‌باشد. در هر حال اطلاعاتی موجود است که نشان می‌دهد ثبت اطلاعات به اردوگاه‌ها و مجتمع‌های فلسطینی محدود می‌شود و تعدادی از شهرها و شهرک‌های لبنان را به‌ویژه در منطقه بقاع الاوسط، در بر نمی‌گیرد و در ادامه، فرآیند مقایسه فهرست‌ها چندین تناقض را نشان داده است؛ از جمله این که برخی نام‌ها در چند فهرست تکرار شده‌اند یا به شکل دیگری اطلاعات دو گانه در فهرست‌ها دیده می‌شود. مثلاً مردی خود را به عنوان سرپرست خانواده ثبت نام کرده و همسر خود را عهده‌دار همان مسئولیت معرفی کرده است یا این که به عنوان دو خانواده جدا از هم درج شده‌اند. علاوه بر این‌ها بعضی از خانواده‌های فلسطینی در اردوگاه‌های لبنان، خود را به عنوان خانواده‌های آواره از سوریه ثبت نام کرده‌اند. تعدادی دیگر از خانواده‌ها نیز حاضر به ثبت نام نشده‌اند؛ با این استدلال که از فلسطینی‌های لبنان هستند و در عین حال می‌دانند که پس از تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، آنها به سوریه مهاجرت کرده و پس از



۳۰ سال دوباره به لبنان بازگشته‌اند؛ در نتیجه حق استفاده از کمک‌های توزیع شده از آنها ساقط می‌گردد. یکی از مثال‌های فراوان برای ابهام به وجود آمده در عملیات آماری این است که بعضی از کمیته‌های مردمی فلسطینی در مناطق، ارقام وارد شده در گزارش دبیر کل کمیته‌ها- که مقر آن در بیروت است- را پیرامون تعداد آوارگان، نقض کرده‌اند. گزارش دبیر کل کمیته‌ها به وجود ۳۹۴ خانواده آواره در اردوگاه عین‌الحلوه اشاره دارد اما کمیته مردمی اردوگاه از وجود ۵۲۰ خانواده آواره در اردوگاه عین‌الحلوه خبر می‌دهد. علاوه بر همه این‌ها برخی از خانواده‌ها لبنان را ترک کرده‌اند، بی‌آن‌که این موضوع را اطلاع دهند تا نام آنها حذف شود و در عین حال برخی دیگر به دلایل امنیتی از ثبت نام خودداری می‌ورزند.

## ۲. خدمات بهداشتی

در سوریه، نحوه تعامل با فلسطینی‌ها به‌ویژه از نظر دستیابی به انواع خدمات بهداشتی، کاملاً همانند شهروندان سوری بود. بنابراین دستیابی به دارو یا انجام عمل‌های جراحی، امری سهل و آسان بود. اما در لبنان امور به طور ریشه‌ای تفاوت پیدا کرده و یک فلسطینی برای دستیابی به خدمات پزشکی با دشواری‌های شدیدی مواجه می‌شود. زیرا پوشش آنرا فراگیر نیست بلکه در حالتی که بیماران ناچار به ورود به بیمارستان‌ها باشند، خدمات جزئی به آنها ارایه می‌دهد و در زمینه دارو به تعداد محدودی از انواع داروها ختم می‌شود. در عمل نیز غیر از آنرا هیچ دستگاه دیگری نیست که به گروه‌های فلسطینی خدمات پزشکی ارائه نماید. به طور خلاصه، هیچ‌گونه برنامه بهداشتی وجود ندارد که هم‌زمان با آمدن این آواره‌ها، پاسخگوی نیازهای پزشکی روزافزون آنها باشد. بلکه موضوع به صدور مجوز برای آواره‌های جدید، محدود شده است تا همانند فلسطینی‌های لبنان، از خدمات پزشکی در مانگاه‌های آنرا استفاده کنند؛ بدون آن‌که هیچ افزایشی در اندوخته پزشکی در نظر گرفته شود؛ در نتیجه آوارگان سوری خدمات و امکانات پزشکی را میان خود تقسیم کردند که در اصل به فلسطینی‌های لبنان اختصاص داشت. بنابراین فلسطینی‌ها همواره از نقصانی بزرگ در همه سطوح رنج می‌برند.

اما مسئله تنها به دستیابی به خدمات پزشکی محدود نمی‌شود؛ زیرا نیازهای مختص به زنان و کودکان مورد توجه قرار نگرفته یا پاسخ داده نشده است. نیازهایی که فراتر از مفهوم امدادسانی و چارچوب کلی آن است.

## ۳. آموزش

از سوی دیگر، دانش‌آموزان فلسطینی مهاجر از سوریه برای رسیدن به نیمکت‌های

هم‌اکنون نزدیک به نیمی از جمعیت فلسطینی‌ها، در آوارگی به سر می‌برند. تعدادی که نزدیک به جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین است و به نظر می‌رسد که برای یک نهضت همگانی علیه اشغالگری کافی باشد

تحصیلی، با مشکلی مواجه نشده‌اند. به خصوص با تصمیمی که آنرو برای گشودن مدرسه‌ها در برابر این دانش‌آموزان و تأمین کلاس‌های جداگانه برای آنها، اتخاذ نموده است. اما معضل اصلی در تفاوت شیوه آموزشی مورد نظر در هر یک از کشورهای سوریه و لبنان، جلوه‌گر می‌شود و این دو شیوه تفاوت‌های ریشه‌ای با یکدیگر دارند. همین امر، آغاز سال تحصیلی جدید را برای این دانش‌آموزان به تأخیر

انداخته است. با آغاز سال تحصیلی جدید در مدارس آنرو در لبنان که اواخر ماه سپتامبر بود، هنوز هیچ یک از دانش‌آموزان جدید مهاجر از سوریه ثبت نام نکرده بودند. بعضی از آنها بعداً طبق شیوه لبنان در مدارس آنرو ثبت نام شدند. در عین حال، خانواده‌های دیگری تحت فشار نیاز اقتصادی و هم‌زمانی آن با آغاز سال تحصیلی مدارس آنرو در سوریه، تصمیم گرفتند به سوریه بازگردند. اما خردسالان به مهدکودک‌های گوناگونی وارد شدند که وابسته به چند انجمن ملی در اردوگاه‌ها و خارج از آن بودند.

#### ۴. اسکان

مسئله اسکان آوارگان فلسطینی از سوریه، به یک مشکل بزرگ تبدیل شده است؛ با توجه به این که ۹۵ درصد از آنان نزد خویشاوندان خود در اردوگاه‌های لبنان به سر می‌برند که این اردوگاه‌ها از ساکنان اصلی خود اشیاع شده‌اند و همین امر، بار سکونت، معیشتی و اقتصادی را بر این خانواده‌ها تحمیل می‌کند. به‌ویژه این که خانواده‌های میزبان برای مقابله با سختی‌های زندگی، اساساً نیازمند یاری و کمک هستند. اما خانواده‌هایی که در اردوگاه‌های لبنان خویشاوندی ندارند، با مشکل دوبرگانه مواجه هستند: اول، عدم توانایی مالی برای اجاره مسکن و دوم، فراهم نبودن خانه‌های اجاره‌ای در خود اردوگاه‌ها. بعضی از خانواده‌ها از اردوگاه‌های لبنان درخواست کرده‌اند که برای ساخت حتی یک اتاق اضافه بر روی پشت‌بام به آنان مجوز بدهد تا بتوانند خانواده‌های تازه‌وارد را در آنجا بگنجانند. مشکلات به وجود آمده در میان خانواده‌ها تکرار می‌شود و بعضی از آنها تا حد طرد خانواده‌های تازه‌وارد پیش رفته‌اند. در مواردی دیگر، حتی تارسیدن به مرز طلاق ثبت شده است و به طور مختصر این وضعیت منجر به بازگشت بعضی از خانواده‌ها به سوریه شده است و بعضی از دیگر خانواده‌ها، به اشغال مؤسسه‌های آنرو برای اقامت در آن پناه آورده‌اند و این موضوعی است که در ادامه حل و فصل شده



است.

### ۵. مجوزهای اقامت

فلسطینی‌های مهاجر از سوریه، پس از ورود به لبنان، خود را در مقابل یک معضل امنیتی دیدند که در مرزها خود را نشان داد و آن گرفتن مجوز اقامت در لبنان تنها برای یک هفته بود. آنها در پایان هفته باید به دستگاه امنیت عمومی مراجعه می‌کردند تا اقامت آنها را به طور رایگان تا یک هفته دیگر تمدید نماید. سپس مجدداً باید مدت اقامت را تا دو هفته دیگر تمدید می‌کردند، به شرط آن که فلسطینی‌ها عوارض مالیاتی را که مبلغ آن برای هر نفر ۵۰۰۰۰ لیره لبنانی بود، بپردازند. این اقدام در محاسبات آوارگان فلسطینی وجود نداشت؛ زیرا با توجه به ادامه بحران در سوریه، نمی‌دانستند که اقامت آنها در لبنان چه مدت طول می‌کشد. در همین حال اوضاع مالی بسیار دشوار، به آنها اجازه پرداخت این عوارض مالیاتی را نمی‌داد. چندی بعد، این عوارض با تأخیر در پرداخت به جریمه‌هایی تبدیل شد که بر دوش آنها سنگینی می‌کرد. درست است که دستگاه امنیت عمومی، با مصوبه‌ای به مدت یک ماه - از ۱۷ سپتامبر تا ۱۷ اکتبر - این افراد را از پرداخت جریمه معاف کرده بود، اما تبصره‌هایی را برای این مصوبه ثبت کرد؛ به طوری که خانواده‌هایی که قصد بازگشت به سوریه را داشتند، با مطالبه پرداخت جریمه‌های مالی از آنان، غافلگیر شدند. در مواردی دیگر بعضی از آنها جلوی سنگرهای ارتش لبنان و ورودی اردوگاه‌های عین الحلوه و نهرالبارد، به جرم مخالفت با شرایط اقامت بازداشت شدند. این اقدام بر یکپارچگی برخی خانواده‌ها تأثیر گذاشت؛ به طوری که بخشی از آنان در اردوگاه‌ها باقی ماندند و بخشی دیگر از آنان مجبور به ماندن در خارج از اردوگاه‌ها شدند.

معضل بزرگ‌تر در عدم تمدید مصوبه معافیت از جریمه‌ها نمود پیدا کرد که همین امر، همه مهاجران فلسطینی از سوریه را به ساکنان غیر قانونی تبدیل کرد. حداقل در یک مورد، در نتیجه وضعیت مذکور و برای جلوگیری از احتمال بازداشت، یکی از خانواده‌ها با سفارت فلسطین در بیروت، تماس گرفت تا تمایل خود را نسبت به مهاجرت از بیروت به سمت نوار غزه - جایی که در اصل از آنجا آمده بود - ابلاغ کند.

### چند شاهد عینی و واقعیت‌های مهاجرت در اردوگاه‌های لبنان

مصاحبه‌هایی که با تعدادی از خانواده‌های آواره در برخی از اردوگاه‌ها داشته‌ایم، وضعیت تلخی را منعکس می‌کند که حاصل پناهندگی این خانواده‌ها به جمع دیگر

آوارگان یعنی جمع آوارگان فلسطینی در لبنان است. همچنین میزان رنج و ناامیدی آنها را نسبت به ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی و محلی نشان می‌دهد که قادر نیستند پاسخگوی نیازهای اولیه آنان باشند. این خانواده‌ها تحت تأثیر دو آسیب قرار دارند. آسیب خروج از خانه‌ها و محله‌های خود در سوریه و آسیب ناشی از وقایع آوارگی در لبنان. بیشتر خانواده‌ها برای بازگشت به سوریه ابراز تمایل کرده‌اند، حتی اگر امور در آنجا ثابت و پایدار نباشد.

مورد نخست: یک خانواده فلسطینی در لبنان که در سال ۱۹۸۲ به سوریه نقل مکان کرده و در جوار شهر درعا اقامت گزیده بود. با بازگشت به لبنان، این خانواده دوباره طعم تلخ آوارگی را تجربه کرد. افراد این خانواده شش نفره در خانه‌ای اجاره‌ای و غیرمجهز برای سکونت، اقامت گزیدند و سه تن از فرزندان، در مکان‌های دیگر پراکنده شدند. تنها چیزی که از کمک‌های مردمی، نصیب این خانواده شد، یک سهمیه غذایی بود که تنها برای سه روز کافی بود و پس از آن کمک‌ها قطع شد. اما یک دفتر حزبی، ارسال روزانه یک بسته نان را به عهده گرفت و گاهی اوقات نیز بعضی از همسایه‌ها چند قوطی کنسرو برای آنها می‌فرستادند. دو نفر از فرزندان خانواده در مدارس آنروا ثبت نام کردند، اما تاکنون کتابی دریافت نکرده‌اند. سرپرست خانواده از بیماری دیابت و فشار خون رنج می‌برد؛ یکی از چشم‌هایش نیازمند عمل جراحی فوری است که چهار هزار دلار هزینه دارد و تاکنون این مشکل حل نشده است.

مورد دوم: مورد ویژه‌ای است که این خانواده دوم را از دو خانواده مشابه دیگر متمایز می‌کند. دختر بچه این خانواده با وضعیتی مواجه شد که پوست او تا میزان ۸۰ درصد دچار سوختگی شد و به تعدادی دارو نیاز دارد که هزینه آن برای هر پنج روز به یکصد دلار می‌رسد. با این حال آژانس آنروا از ارائه هر گونه کمکی خودداری ورزیده است. تاکنون کسی حاضر نشده عهده‌دار درمان یا تأمین هزینه‌های دارویی این دختر بچه شود. این خانواده که از ریف دمشق آمده، به منطقه دیگری در سوریه کوچ کرد تا در یک خانه، همراه با چند خانواده دیگر در آنجا ساکن شوند. تعداد کل افراد به پنجاه نفر می‌رسید؛ تا این که یکی از خانواده‌ها، به این دلیل که ماندن تحت چنین شرایطی دشوار بود، ناگزیر به ترک آنجا و بازگشت به سوریه شد. به دلیل وضعیت خاص دختر بچه سوخته، اعضای این خانواده نیز مجبور شدند به خانه دیگری منتقل شوند. بعضی از افراد خانواده به سوریه بازگشتند تا کار کنند و برای تأمین نیاز فرزندان، پول بفرستند. با آمدن فصل زمستان، مشکلات بیشتر می‌شوند. زندگی این خانواده زیر و رو شده و همه

چیز علیه آن دگرگون شده است.

مورد سوم: خانواده‌ای است که به بیشتر نقاط سوریه کوچ کرده است. اما تنش‌های امنیتی سیار، سرانجام این خانواده را به سوی لبنان سوق داد تا نزد یک خانواده فلسطینی ساکن شوند که آن هم به سهم خود از اردوگاه نهرالبارد مهاجرت کرده بود. این چنین، ۱۳ نفر در خانه‌ای که متشکل از دو اتاق بود، جمع شدند. سرپرست خانواده میزبان تا جایی که می‌توانست، در صدد رفع نیازهای دو خانواده برآمد. هیچ یک از ارگان‌ها اعم از کمیته‌های مردمی یا هر انجمن دیگری، به امور آنان رسیدگی نکردند. به دلیل گرانی معیشت در لبنان و عدم توانایی در همگامی با هزینه‌های درخواستی، این خانواده ناچار شد به سوریه باز گردد. اما استمرار آشفتگی امنیتی در آن منطقه، این خانواده را وادار به بازگشت مجدد نمود. مادر از این که در مانگاه‌های آنروا در لبنان، فاقد داروهای مورد نیاز او می‌باشند، گلایه دارد و همین امر، او را مجبور کرده که تنها برای تأمین این داروها چندین بار از مرزهای سوریه عبور کند. داستان این خانواده و اقامت آن در لبنان، دارای فصل‌های پی در پی است؛ زیرا پس از پایان مدت قانونی اقامت، این خانواده خود را با خطر طرد به سوریه مواجه دید. از این رو حاضر به پرداخت جریمه‌های مالی شد. اکنون و پس از به پایان رسیدن آخرین مهلت داده شده، این خانواده یک بار دیگر ناگزیر به پرداخت هزینه شده است، اما از کجا؟ یکی از افراد این خانواده دانشجوی سال چهارم است و از شاگردان برجسته است؛ اما دانشگاه لبنان در صورتی حاضر به پذیرش این دانشجو شده است که تحصیل در رشته خود را از نو و از سال اول آغاز کند؛ در عین حال، اختلاف شیوه آموزشی میان سوریه و لبنان مانع از حضور دو فرزند دیگر در دبیرستان‌ها شده است. مشکل دیگری به همه این مشکلات اضافه می‌شود که همگی از آن رنج می‌برند: نبود فرصت شغلی برای آوارگان قادر به کار.

مورد چهارم: این خانواده از اردوگاه یرموک آمده و تعداد آنها ۱۳ نفر است؛ علاوه بر آن، ۱۰ نفر هم از خانواده میزبان هستند. همه آنها در دو اتاق و یک راهرو می‌خوابیدند. هیچ یک از افراد خانواده تصور نمی‌کرد که حتی در چنین شرایطی، سوریه را ترک کنند و می‌گویند ضرورت، تنها چیزی است که موجب ماندن آنها در لبنان شده است؛ اما اندیشه بازگشت، هر لحظه در سر آنها است و شرایط بسیار بدی که در آن به سر می‌برند، همواره این اندیشه را احیا می‌کند. تنها چیزی که تاکنون به این خانواده رسیده است، وعده و آمار است. در اردوگاه نه جایی برای بازی کودکان وجود دارد و نه مدرسه‌ای که به آنجا بروند. قطعی مکرر آب و برق نیز بر وخامت این اوضاع آشفتگی می‌افزاید. افراد این خانواده

به یاد می‌آورند که هنگام تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶، آنها با خانواده‌های لبنانی که به سوریه مهاجرت کرده بودند، چگونه رفتار کردند و امروز چگونه با آنان رفتار می‌شود. می‌پرسند آیا سهمیه‌های خوار و بار که شامل چندین قوطی کنسرو و حبوبات است، کفایت می‌کند؟ سبزی، میوه، گوشت و نیازهای دیگر چه می‌شود؟



### خلاصه و نتیجه‌گیری

از همان ابتدا، عدم صلاحیت جامعه مدنی و داخلی فلسطین برای تعامل یا ایجاد راه‌حل نسبت به مشکلات فراوانی که از مهاجرت فلسطینی‌های سوریه به لبنان پدید آمد، آشکار بود. با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته، آنچه بر این وضعیت غلبه دارد، منطق امداد اضطراری است. یعنی فقط پرداختن به نیازهای اولیه آوارگان که همان تأمین خوراک آنان است. بنابراین از دیگر مسائل اساسی غفلت شد؛ حال آن که طولانی شدن مدت اقامت آوارگان و مشکلات حاصل از آن، افزایش نیازها و تنوع آن را در پی داشت. بنابراین در کنار تأمین غذا، این نهادها از تأمین بسیاری از نیازهای ضروری معذور بودند. از تأمین محل سکونت، در نظر گرفتن نیازهای زنان و کودکان و نیازمندان خاص گرفته تا حل معضله‌های بهداشتی، آموزشی و اقامت. بنابراین، فقدان یک برنامه کامل به وضوح مشاهده می‌شود. برنامه‌ای که بتواند تمامی پیامدهای مهاجرت را در بر گیرد.

چند دستگی سیاسی در داخل فلسطین، از دلایل عدم توافق بر سر تدوین چنین برنامه‌ای است. علاوه بر عدم هماهنگی لبنان - فلسطین، عدم توافق سازمان‌های ملی و سازمان‌های جامعه مدنی برای تمرکز تلاش‌ها در یک مسیر واحد، عدم آگاهی هر یک از طرف‌ها از طرف‌های دیگری که در این کار مشارکت دارند، نیز بسیار مهم است.





## آوارگان فلسطینی از سوریه تاردن؛ پس از واپسین مرزها

خالد عاید

ترجمه خدیجه رسولی

گویی یک فلسطینی عادی، قول و قراری غیرعادی و «ادیسه‌وار» با هجرت‌ها و تبعیدها دارد. این وضعیت حتی پیش از واقعه ۱۹۴۸ آغاز شده بود و آنچنان که پیداست پایانی ندارد. یک فلسطینی هر گاه در سرزمینی اقامت گزیده تادر آنجا مستقر شود و منزلگاه و زندگی جدیدی را از سر گیرد، ناگهان طوفانی سهمگین بر او وزیدن گرفته که از چهار سو او را احاطه کرده، میخ‌ها و ستون‌های چادر را برکنده و آن را به سرزمین تازه و ناآشنایی پرتاب کرده است.

چنین وضعیتی هم در خود فلسطین و هم در سرزمین‌های عربی مجاور وجود داشته است. از سرزمین‌های باقی‌مانده از فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه گرفته تاردن، لبنان و آن گونه که اخیراً به نظر می‌رسد، در سوریه نیز این وضعیت وجود دارد. حال آن که فلسطینی‌ها در سوریه از نوعی ثبات برخوردار بودند، تا حدی که برخی به آنان غبطه می‌خوردند.

با توجه به بحران کنونی سوریه، رنج فلسطینی‌ها از روی تعداد مهاجران آنها به لبنان یا اردن یا هر دوی آنها، سنجیده نمی‌شود بلکه باید آن را با سوزناک‌ترین عذاب‌های روحی-انسانی و به‌ویژه سیاسی سنجید. فرد فلسطینی میان دو گزینه «بهار» و «پاییز» عربی قرار گرفته و این در حالی است که گزینه‌های او در «بازگشت» و «آزادی» (که همان گزینه‌های اصلی مردم است)، تا زمانی نامعلوم روی میز باقی مانده است.

### تعداد مهاجران چند نفرند: «کور رقمی»

با وجود اهمیت فراوانی که «آمار و ارقام» در زندگی ما به طور کلی و در پژوهش علمی به طور ویژه پیدا کرده‌اند، اما ممکن است همین ارقام واقعیت‌ها را دقیقاً بازتاب ندهند و حتی گاهی برخی از ابعاد آن را محو کنند؛ این پدیده‌ای است که آن را «کور رقمی» (بر وزن کور رنگی) نامیده‌ایم. این امر تا حد زیادی بر مهاجرت فلسطینی‌ها از سوریه به اردن منطبق است.

آمار ضد و نقیضی مربوط به شمار مهاجران فلسطینی از سوریه به اردن وجود دارد. طبق منابع این آمار، مسئولان غیررسمی، شمار مهاجران را ۱۰۰۰ تن برآورد می‌کنند.



پیش از آغاز بحران سوریه، آنروا وضعیت سوریه را «یک محیط سیاسی دارای ثبات» توصیف می کرد که این ویژگی با توجه به وضعیت ثبات سیاسی نسبی در آنجا استنباط شده بود. اما شعله ور شدن سریع حوادث، بر فعالیت این آژانس و توانایی آن در ارتباط با شعبه های فرعی در استان ها سایه افکند و خدماتی که آنروا در برخی مناطق ارائه می داد، تحت تأثیر قرار گرفت؛ به ویژه در مناطقی که «ملتهب» به شمار می رفت؛ این امر در نتیجه دشواری رسیدن به آن مناطق با توجه به عملیات نظامی بود

حال آن که آژانس آنروا، تعداد مهاجرانی را که به آنها خدمات ارائه می دهد، ۳۵۰ نفر ثبت کرده است.<sup>۱</sup> ممکن است این تفاوت ناچیز میان دو آمار، تعجب برانگیز نباشد؛ زیرا آنروا معمولاً خدمات خود را تنها به کسانی که نامشان در آنجا ثبت شده باشد، ارائه می دهد و غالباً شمار آنها از شمار کسانی که واقعاً به آن خدمات نیاز دارند، کمتر است. اردوگاه الزعتری، بزرگ ترین و مشهورترین اردوگاه در منطقه مفرق، در مرزهای اردن و سوریه است. در میان مهاجران سوری مقیم این اردوگاه (تقریباً ۳۹ هزار نفر، به گفته سخنگوی رسانه ای امور اردوگاه های

آوارگان، روزنامه رأی ۲۰۱۲/۱۰/۳۱)، شمار بسیار اندکی (فقط ده ها نفر) از آنان، فلسطینی هستند. با وجود تکرار حوادث نزاع و درگیری میان مهاجران سوری و نیروهای امنیتی اردن، چنین حوادثی میان آوارگان سوری و فلسطینی، به ثبت نرسیده است.

اما مجتمع اصلی و انحصاری آوارگان فلسطینی، مرکز «سایبر سیتی» (Cyber City) می باشد که نزدیک دانشگاه علم و فناوری در منطقه شمالی شهر اردن و در نزدیکی شهر مفرق واقع شده است. این مرکز حدود ۱۷۰ آواره فلسطینی را در خود گنجانیده که البته این رقم بین منابع گوناگون و در زمان های مختلف، تفاوت هایی داشته است. شایان ذکر است که مرکز سایبر سیتی، یکی از سه منطقه صنعتی استاندارد (QIZ'S) است که برپایی آن در منطقه اردن (و دیگر مناطق اردن) با مصوبه سال ۱۹۹۷ کنگره امریکا به تصویب رسید. این مرکز با هدف «تشویق به صلح» از طریق پروژه های اردنی - اسرائیلی - امریکایی ایجاد شده است که موجب انگیزه سرمایه گذاری و فراهم شدن فرصت های شغلی برای مردم اردن می گردد. اما تمامی این پروژه پیوسته شاهد عقبگرد بوده است. تعدادی از پروژه های کنونی متوقف شده و تعداد دیگری از آنها هنوز راه اندازی نشده اند و شاید سایبر سیتی، مصداق همین حالت دوم باشد؛ چرا که

۱. عمان نت، ۳ آوریل ۲۰۱۲.



آوارگان فلسطینی سوریه در مقابل بحران سوریه، به اصل «بی طرفی» مثبت پایبند بودند و اردوگاه‌های آنان پذیرای مهاجران سوری شد - دقیقاً در مناطق مورد نزاع و درگیری مانند درعا، حمص، لاذقیه، ریف دمشق و دمشق - به طوری که شمار ساکنان اردوگاه‌های فلسطینی در برخی موارد تا سه یا چهار برابر افزایش یافت؛ به طور مثال در اردوگاه یرموک وضع به همین منوال است

بهره‌برداری از آن با رویکرد گنجاندن آوارگان جدید در این منطقه صورت گرفته است؛ به‌ویژه آن که شامل ساختمان‌های مسکونی (که برای کارگران پروژه آماده شده بود) است و علاوه بر آن از امکانات رفاهی دیگری همچون رستوران، کافه‌تريا، مراکز خرید و... نیز برخوردار می‌باشد.

آنچه گفته شد، به «معما»ی آمار مختص مهاجران فلسطینی از سوریه به اردن پایان نمی‌دهد، زیرا عوامل دیگری هستند که اهمیت بیشتری دارند و می‌توانند در شکافتن

این معما و گشودن قفل‌های آن، به ما کمک کنند. از جمله این عوامل - البته نه به ترتیب اهمیت آنها - عبارت‌اند از:

اول: بسیاری از خانواده‌های فلسطینی (تعیین تعداد آنها دشوار است)، به صورت فردی یا به هر صورت دیگری، توانسته‌اند به اردن «بازگردند» اما بدون سرپرست‌های خانوار که عمری را در پیوستن به مقاومت فلسطین دست داشته‌اند.

دوم: گرایش طبیعی آوارگان فلسطینی سوریه نه به سوی اردن و نه هیچ جای دیگری، بلکه به سوی لبنان بوده است. این امر به سهولت نسبی انتقال عادی به کشور نخست در مقایسه با کشور دوم باز می‌گردد. همچنین روابط نزدیک و خویشاوندی در این امر دخیل است و فلسطینی‌های سوریه و لبنان را همواره از زمان نخستین هجرت در سال ۱۹۴۸ گرد هم آورده و می‌آورد. در آن هنگام اکثریت قریب به اتفاق فلسطینی‌ها از منطقه جلیل شمالی به سوی لبنان و سوریه روانه شدند (در همین حال، اغلب فلسطینی‌های مرکز فلسطین به کرانه باختری روی آوردند و اغلب ساکنان جنوب به سوی نوار غزه رفتند).

سوم: هزاران تن از ساکنان نوار غزه، به‌ویژه پس از جنگ سال ۱۹۶۷، خود را در میان زمین و آسمان معلق دیدند. چرا که در اردن، اردوگاهی مخصوص به آنان (در منطقه جرش) وجود داشت که علاوه بر نداشتن تبعیت اردن، از هیچ حقوق و وضعیت انسانی که حقوق بین‌الملل آن را الزامی کرده است، برخوردار نبود و کسانی که در صفوف مقاومت فلسطین وارد شده بودند، دیگر «حق بازگشت» به اردن و حتی به «فلسطین»

رانداشتند؛ مگر کسانی که دو جنبش «فتح» و «حماس» راهی را برای آنان می‌گشودند. چهارم: شاید این عامل مهم‌ترین، با اهمیت‌ترین و پیچیده‌ترین عامل در معادله «معما»یی باشد که ما در صدد حل آن هستیم و این عامل بیانگر این است که تعیین شمار دقیق «تبعیدشدگان» فلسطینی-اردنی در سوریه دشوارتر از آن است- اگر ناممکن نباشد- که بتوان در راه تعیین نسبت «مراجعت‌کنندگان» به مجموع این گروه تلاش کرد؛ زیرا تخمین تعداد این «تبعیدشدگان» از ۲۰ هزار تا تقریباً ۱۰۰ هزار نفر، نوسان دارد. در مدت بیش از یک دهه، فلسطینی‌ها در چند موج پی در پی از اردن خارج یا اخراج شده‌اند (به دنبال حوادث «سپتامبر سیاه» در سال ۱۹۷۰، «نبرد بیشه‌ها» در ژوئیه ۱۹۷۱ و تبعات و پیامدهای آن از جمله فرارهای فردی یا گسیخته شدن گروهی از ارتش اردن، خروج گروه‌های جوانان برای همبستگی با مقاومت در مقابل تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲). آنچه بر پیچیدگی امور می‌افزاید، این است که همگی این افراد در سوریه اقامت نگزیده‌اند بلکه پس از تهاجم سال ۱۹۸۲ در چهار سوی دنیا (به‌ویژه لبنان)، دیگر کشورهای عربی و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی و... پراکنده شدند. سپس هزاران تن از آنها برای اقامت موقت، آموزش، آمادگی و مهیا شدن، به اردن آمدند تا زمینه بازگشت آنها به کرانه باختری و نوار غزه طبق قرارداد اسلو که در سال ۱۹۹۳ میان اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین منعقد شده بود، فراهم شود.

در طی این مدت، افرادی از «نسل فداییان» به شهادت رسیدند و عده‌ای جان باختند؛ اما در مقابل، فرزندانشان از دواج کردند و یکی از آنها خانواده‌ای تشکیل داد که میانگین افراد آن به شش نفر می‌رسید و این چیزی است که پیچیدگی مسئله را دو چندان می‌کند. این پیچیدگی تنها از زاویه تعیین افراد «تبعیدشده» نیست بلکه- این مورد مهم‌تر است- مسئله، پیدایش نسل جدیدی است که تابعیت یا هویت یکسان ندارد و در نتیجه نیازمند حداقل حقوق مدنی و اجتماعی می‌باشد (کار، نقل مکان و زندگی آزاد و آبرومند).

اما در رابطه با حکومت فلسطین، آوارگان فلسطینی در مجتمع سایبر سیتی خواستار آن هستند که این حکومت دست از سر آنها بردارد. آنها پیش‌تر سکوت را شکسته بودند و «پس از گذشت یک سال از وعده‌های توخالی، دروغ‌های پیوسته و اتهام به این که «آوارگان اقتصادی» هستیم...»، تمایل خود را به کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و تمامی سازمان‌های بین‌المللی ذیربط اعلام کردند تا به وضعیت اسفبار آنان رسیدگی کنند و برای جلوگیری از مشکلات آنان که روز به روز وخیم‌تر می‌شود،

فلسطینی‌های سوریه در محاسبات خود هیچ‌گاه امکان مهاجرت دوباره از سوریه را به خارج از مرزهای این کشور در نظر نگرفته بودند. اما عواملی که فلسطینی‌ها را وادار به این کار کرد، سهمگین‌تر از آن بودند که بتوان تحمل کرد. دلایل اصلی این امر، حول سه محور می‌چرخند: عدم امنیت پس از انتقال درگیری‌ها به محله‌ها و اردوگاه‌های فلسطینی‌نشین؛ گرانی فاحش در نتیجه کمیاب شدن کالاهای اساسی؛ درصد بالای بیکاری و عدم امکان دستیابی به شغل در نتیجه تداوم بحران در سوریه که بیش از دو سال و نیم ادامه یافته است

چاره‌ای بیندیشند.

سفیر حکومت فلسطین در عمان عطاءالله خیری، خاطر نشان کرده بود که سفارت، اقدامات خود را ادامه می‌دهد تا فلسطینی‌هایی را که از سوریه می‌آیند، بنا به خواسته آنها به اردن و سپس نوار غزه منتقل نماید.

به نظر می‌رسد که خشم مهاجران فلسطینی از سوریه به اردن، در درجه نخست، متوجه حکومت فلسطین است که نماینده آن، سفارت این حکومت در عمان است. اما این خشم میان نیروهای اردنی، سازمان‌ها و هیئت‌های بین‌المللی، استثنایی قائل نشده است؛ از جمله آژانس

آنروا- که طبق قیمومت خود- پیش از هر ارگان دیگری مسئول امداد و اشتغال آوارگان فلسطینی است. از جمله مواردی که در این راستا گفته می‌شود، این است که آژانس- به گفته سخنگوی آن انوار ابو سکینه- تنها ۳/۷ میلیون دلار از اصل ۲۷ میلیون دلار را عرضه داشته است. کشورهای اعطاکننده این مبلغ خواهان ارائه آن برای کمک به فلسطینی‌های سوریه بودند؛ یعنی آنها که به دنبال حوادث سوریه خسارت دیدند یا از آنجا گریختند. نزدیک به ۱۴۰ آواره فلسطینی مهاجر از سوریه، در سپتامبر گذشته اعلام کردند که هرگونه خدمت ارائه‌شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی مختص آوارگان را تحریم می‌کنند و این امر به دلیل مسئله‌ای بود که آن را «شانه خالی کردن از مسئولیت و عدم تعهد به مسئولیت‌هایشان در قبال آوارگان» نامیده بودند.

آوارگان سایبر سیتی چندین بیانیه صادر کرده‌اند که در آنها به حکومت فلسطین حمله کرده و رقابت شدیدی را با سفارت آن در عمان به راه انداخته‌اند.

موضوع به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه فراتر از آن به خطوط قرمزی رسیده است که از نظر سیاسی هر جا با هم تلاقی یابند، از حرارت شعله می‌کشند؛ مانند جریان دورودخانه یرموک و اردن و دریاچه‌ی طبریه. این خطوط قرمز در خطرات زیر خلاصه می‌شود:

اول: فروپاشی حکومت سوریه یا «سومالی» وار کردن آن، آن چنان که برخی پیش‌بینی

می‌کنند.

دوم: انتقال «دغدغه دموگرافی» - که با افزایش شمار فلسطینی‌ها در اردن خود را نشان داده است - از حالت پنهان و تحت نظارت کنونی به حالتی از آشوب‌ها و ناآرامی‌ها، که در آن صورت ممکن است رژیم صهیونیستی فرصتی برای تحقق رؤیای قدیم - جدید خود بیابد؛ یعنی آنچه «میهن جایگزین» نامیده می‌شود. شاید مهم‌ترین خط قرمز، با ایجاد شرایطی جلوه‌گر شود که فلسطینی‌های سوریه و سپس لبنان را وادار می‌کند که به اردن نقل مکان کنند که این امر بر عمق چنددستگی‌های مردمی و وخامت آن می‌افزاید. سوم: موردی است که اهمیت آن هم‌تراز با این دو تحول است، اگر بیشتر از آنها نباشد. آن قدرتی که در رأس این هرم جدید سیطره یافته بر منطقه قرار خواهد گرفت، رژیم صهیونیستی است و بس. این امر بر احتمالات تجزیه حکومت سوریه، چند تکه شدن جامعه اردنی - فلسطینی، محو مسئله اصلی یعنی فلسطین و چیرگی دوباره امریکا بر منطقه در قالبی جدید، متمرکز است.

## مهاجران فلسطینی مقیم اردن در چه شرایطی به سر می‌برند؟

### چند گواهی

در میان مهاجران فلسطینی، حالتی از خشم، ناراحتی و تلخکامی در مقابل هر یک از طرف‌های مرتبط با رنج تازه آنها، حکمفرماست. شاید دلیل چنین وضعیتی همین بحران غیر مترقبه باشد که مهاجران فلسطینی برای خود هیچ سودی در آن نمی‌بینند. مقامات اردنی، این فلسطینی‌ها را «آوارگانی اقتصادی» به شمار می‌آورند که در جست‌وجوی درآمد و کاسبی هستند، نه آوارگان سیاسی که با توجه به خشونت خونباری که از دو سال پیش در سوریه شدت گرفته است، به دنبال یک پناهگاه سیاسی امن می‌گردند. این مقامات از تحت تکفل قرار دادن فلسطینی‌ها یعنی پذیرش ضمانت یک شهروند اردنی برای آنها امتناع می‌ورزند که همین مورد شرط ماندن فلسطینی‌ها در اردن می‌باشد. این امر متفاوت از نحوه تعامل آنها با آوارگان سوری است که معمولاً تکفل آنها پذیرفته می‌شود و در نتیجه اجازه اقامت در اردن را می‌یابند؛ اما یک فلسطینی پس از مدتی توقیف و بازجویی به سوریه بازگردانده می‌شود.

رئیس مرکز پژوهش‌های حقوق بشر، فوزی سمهوری، با توجه به حجم اسناد سوری، از موضع اردن که حاضر به تحت تکفل قرار دادن فلسطینی‌ها نیست، غافلگیر نشده و می‌گوید دولت اردن از زمان صدور اعلامیه کاخ سفید، آن را محترم نشمرده است.





سمه‌پوری با توجه به وجود تضمین‌های ارائه‌شده از سوی کفیل، که بازگشت آوارگان به سوریه را در صورت ثبات و استقرار آن تضمین می‌کند، خواستار اجازه کفالت آنها شده است.

رئیس هیئت «یاری مردم سوریه» در اردن، مهندس علی ابو سکر، نگرانی‌های مسئولان اردن را از ورود آوارگان فلسطینی و کفالت آنها کاهش داده است. گواهی مسئولان «سازمان‌های جامعه مدنی» در اردن، گذشته از ارزش و تأثیر عملی آن تا حد قابل قبولی فراهم است. اما در رابطه با فلسطینی‌های مهاجر از سوریه به اردن، گواهی‌ها تقریباً اندک است یا تقریباً موجود نیست. برای پی بردن به این راز، نیازی به هوش خارق‌العاده نیست. زیرا بحرانی که در دو سوی مرزها سایه افکنده، افق‌های روشن و نزدیکی ندارد و ممکن است «گواهی»، طرحی برای «یک گواهی» باشد؛ به‌ویژه در خصوص فلسطینی‌ها که در این درگیری دیواری کوتاه‌تر از آنها نیست و فریب و نیرنگشان کمتر است.

### گواهی کفاح (ام محمد)

یکی از گواهی‌هایی که می‌توان از نزدیک آن را لمس کرد و با گوش شنوا صدای آن را شنید، تجربه «کفاح» و دو پسرش محمد و حسین است.

سرنوشت کفاح (اهل اردوگاه بقعه) مانند بسیاری از دختران جوان اردنی - فلسطینی بود. او برای ادامه تحصیلات دانشگاهی خود، در دهه هشتاد قرن پیش به سوریه رفت. کفاح پس از کشمکش طولانی با «واسطه» که در خود سوریه بیشترین شهرت را داشت، نتوانست در دانشگاه قبول شود اما توانست همسری بیابد (نامش «خلیل عادی» و او نیز از اردوگاه بقعه بود)؛ از بخت بد و طبیعت امور در آن روزها، داماد، جوانی بود که در سال ۱۹۸۱ از خدمت نظامی ارتش اردن گریخته بود تا به مقاومت فلسطین بپیوندد! حاصل این ازدواج دو پسر (محمد متولد سال ۱۹۹۲ و اویس متولد سال ۱۹۹۶) و دو دختر (حنین و بیادر که هر دو با دو فرد فلسطینی - اردنی ازدواج کردند و مشکل تبعید آنها خاتمه یافت) بودند.

تا اینجا داستان عادی یا تقریباً عادی به نظر می‌رسد؛ اما از اینجا به بعد تراژدی مادر و دو پسرش آغاز می‌شود. از اینجا است که تماس‌ها، واسطه‌گری‌ها، رشوه‌های مالی و تلاش‌ها برای نفوذ سراسر مرگبار به اردن آغاز می‌شود.

رشوه‌ها در آن موقعیت حرف اول را می‌زدند. یک بار واسطه‌ای ادعا می‌کرد که در مقابل مبلغی پول، می‌تواند مشکل را حل کند. تا زمانی که این دو جوان به صورت قانونی اردنی

هستند، حق بازگشت به وطن خود، اردن را دارند. واسطه دیگری مثل مورد قبل، فکر می‌کرد که می‌تواند تابعیت آنها را پس بگیرد و از سفارت اردن در دمشق، مجوزی برای آنها در بیاورد و چه بسیار واسطه‌های دیگری که همین روش را در پیش گرفتند.

این خانواده با مشقت‌های بسیار، توانست از نظر مالی اوضاع خود را سر و سامان دهد، اما نتوانست دو پسر خود محمد و اویس را از سوریه به اردن بازگرداند. پس دیگر راهی پیش روی این دو نبود جز خروج از کشوری که بعضی ساکنانش از آنجای گریزند (سوریه) و نفوذ به کشوری که آن دو از تابعیت و حمایت آن برخوردارند (اردن).

این چنین بود که آنها تصمیم گرفتند در ژوئن ۲۰۱۲ همراه با چند نفر دیگر، در یک عملیات پر خطر نفوذی شرکت کنند. مبدأ، منطقه در عادر سوریه و مقصد، منطقه مرزی رمثا در اردن بود و... ناگهان شلیک گلوله‌ها آغاز شد؛ این که از سوی چه کسی و از کجا شلیک می‌شد، مهم نبود؛ زیرا تمامی آن منطقه مشکوک و تیراندازی در آنجا جایز بود. زن با یک گلوله تصادفی مجروح شد. محمد عادی به جرم نفوذ متهم شد و نیروهای نظامی امنیتی را در شهر مرزی رمثا اردن، در انتظار خود دید. پس از چند روز توقیف و بازجویی، رأی بر «عدم کفالت محمد و اویس» و بازگرداندن آنها به سوریه صادر شد. تاکنون داستان محمد و اویس و داستان هزاران جوان دیگر، به پایان نرسیده است. آنها که پدرانشان نهال مقاومت را کاشتند و حالا فرزندانشان به درختان تنومندی تبدیل شده‌اند. اما آیا همه این‌ها حقیقت دارد؟

در پایان من چاره‌ای نمی‌بینم جز این که همراه با آن فلسطینی مهاجر از سوریه یا از هر مکان دیگری به مکانی دیگر، شعر محمود درویش را زمزمه کنم:

پس از واپسین مرزها به کجا برویم؟

پس از واپسین آسمان گنجشک‌ها به کجا پرواز می‌کنند؟<sup>۱</sup>

۱. سه مبحثی که در این مقاله به آنها پرداخته شد، برگرفته از پایگاه اینترنتی «مؤسسه الدراسات الفلسطینیه» بودند بخش پرونده‌های ویژه. یکی از پرونده‌ها با عنوان «فلسطینی‌های سوریه دوباره آواره می‌شوند»، حاوی چهار مقاله به زبان عربی در رابطه با وضعیت فلسطینی‌های سوریه بود که در این جا سه مقاله از آن ترجمه شد.

[http://www.palestine-studies.org/ar\\_files.aspx?id=9](http://www.palestine-studies.org/ar_files.aspx?id=9)